

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



قانون اساسی باید منافع
کارگران، دهقانان،
زحمتکشان و همه خلقهای
ایران را تضمین کند

پنجشنبه ۴ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۲

در میتینگ بزرگ دانشگاه تهران

کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مواضع فدائیان را در قبال انتخابات و قانون اساسی اعلام کردند

● قانون اساسی باید همواره شوراها و نهادهای دمکراتیک
را تقویت کند نه این که آنها را تخریب نموده و از بین ببرد



مصطفی مدنی، رفیقه دانشگری، حشمت‌الله رئیس (کارگر)

شرح مختصری از زندگی رفقای که از طرف
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به عنوان
کاندیداهای تهران، معرفی شده‌اند

* مصطفی مدنی

و در ضمن به مطالعه آثار مارکسیستی پرداخت.
در این مدت با نظریات رفیق مسعود
احمدزاده آشنا شد. این آشنایی مقدمه‌ای بود
برای فعالیت‌های سیاسی دوباره او با رفقای
قدیمی.

اما هنوز سازمانی آنها شکل نگرفته
بود که همزمان با شکوفایی جنبش نوین
انقلابی در سال ۵۵ و ۵۱ - یورش تکلیف-
سازانک به گروه‌ها و محافل مارکسیستی شروع
شد و او همراه با سایر رفقای دستگیر شد.
در زندان با رفیق بیژن جزینی در ارتباط
قرار گرفت و از تجربیات و دستاوردهای
فارس و کردستان به مطالعه زندگی دهقانان
در ۴ صفحه در صفحه ۴

رفیق مصطفی مدنی در سال ۱۳۳۳ در
دهکده تولد شد. رفیق مدنی سالهای آخر
دبیرستان را در تهران گذراند.
طی سالهای ۴۱ تا ۴۳ در دبیرستان
دارالفنون که یکی از کانونهای اصلی مبارزات
بود با مسائل سیاسی آشنا شد و پس از قیام
خونین ۱۵ خرداد ۴۳ بابت گروه سیاسی در
ارتباط قرار گرفت اما سر نوشت این گروه نیز مانند
بسیار از گروه‌های جدا ازبده آزمان
بهین بست گرایید و عملاً منحل شد و رفیق برای
جستجوی راهی نو دانشکده را رها کرد
و به منظور تحقیقات روستایی در اداره
بستانشناسی به استخدام درآمد و در روستاهای
فارس و کردستان به مطالعه زندگی دهقانان
پرداخت.

در این سخنرانی‌ها گفته شد که قصد ما
از شرکت در این سخنرانی‌ها این است که
بندت آوریم. ما میدانیم که در این مجلس
نمایندگان واقعی مردم حضور نخواهند داشت
و هیچ تسمیسی بفتح زحمتکشان اتخاذ نخواهد
شد. لیکن ما با شرکت در این انتخابات به
افشای ماهیت دولت، ماهیت پیش‌نویس قانون
اساسی و ماهیت «مجلس خیرگان» خواهیم
پرداخت.

مصطفی مدنی اولین سخنران این جلسه بود.
قسمتی از سخنان او را در زیر میخوانید:
با درود بیکران به کارگران، زحمتکشان و
بقیه در صفحه ۴

در این گردهمایی بزرگ، سخن از
کاندیداهای فدائیان مصطفی مدنی - رفیقه
دانشگری و حشمت‌الله رئیس - کارگر
و هریک طی سخنانی نظر چریکهای فدائیی
خلق را درباره مجلس خیرگان و قانون
اساسی اعلام کردند.

بیش از صد و پنجاه هزار نفر برای اطلاع
از مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
در این مجلس سه‌گانه، در روز شنبه اول مرداد
در زمین چمن دانشگاه تهران و در خیابانهای
اطراف آن گردآمدند.

سرمقاله

چرا بجای مجلس مؤسسان، مجلس «خبرگان» را اختراع کرده‌اند؟

با وجود پافشاری‌های فراوان مردم و نیروهای انقلابی برای تشکیل مجلس
موسسان، دولت موقت با نادیده گرفتن خواست مردم، سرانجام «مجلس خبرگان»
را به مردم تحمیل کرد.

ما بارها گفته‌ایم که قانون اساسی باید در مجلس موسسانی که متشکل از
نمایندگان واقعی کارگران، زحمتکشان شهر و روستا و سایر اقشار خلقی باشد
تهیه و تصویب شود. این نمایندگان در صورتی واقعا میتوانند نماینده و سخنگوی
آفتاب خلقی باشند که از میان شوراهای کارگران، دهقانان، زحمتکشان و...
برگزیده شده باشند. و در این صورت است که قانون اساسی میتواند در برگیرنده منافع
حال و آینده اکثریت مردم باشد.

تاریخ نشان داده است که هر جا که انقلابی بوقوع پیوسته اگر کسانیکه
قدرت را به دست گرفتند نماینده واقعی کارگران و زحمتکشان بودند، در انجام
هر امری به نیروی خلق متکی شده‌اند و کارها را از طریق شوراهای مردمی به پیش
برده‌اند، اما برعکس جاتی که پس از قیام مردم نمایندگان طبقات استثمارگر بقسوی
قدرت خزیده و حکومت را در دست خود قبضه کرده‌اند، به نقش توده‌ها در اداره
امور پایان داده در عوض با تمام تلاش به محدود ساختن قدرت و اختیارات توده‌ها
پرداخته‌اند. در اینحال آنها کوشیده‌اند به وسیله ممکن حکومت خود را به مردم
تحمیل کنند.

در مین ما نیز از همان فریاد پیروزی قیام کوشش برای خارج کردن
توده‌ها از دایره تصمیم‌گیریها و شرکت آنها در سرنوشت کشور شروع کردید.
شوراهایی که دستاورد قیام مردم بودند با دشمنی دولت روبه‌رو شدند دولت با تمام
قوا کوشید، و می‌کوشد این شوراهای را که هنوز در ارتش (شوراهای همافران)، در
کارخانه‌ها، در ادارات، دانشگاه‌ها، روستاها و... وجود دارند، برچیند.

به مردم میگویند شما صلاحیت ندارید در امور تان دخالت کنید. یک نفر
نمایند از طرف دولت یا کمیته‌ها بعنوان قیام شما میفرستیم او هم چیز را حل و
فصل میکند! این شیوه محدود کردن حق شرکت مردم در سرنوشت خویش تا
بدانجا کشیده میشود که در مورد تنظیم قانون اساسی هم آنرا تمیم میدهند.
با این منطق استدلال میشود که لزومی ندارد و اصولاً صلاح نیست که مردم
به اصطلاح عامی بی‌سواد در امور قانونگذاری به مجلس موسسان راه یابند و قانون
اساسی را تنظیم کنند. آنها «صلاحیت» اینکار را ندارند. پس نتیجه آنکه ابتدا
بقیه در صفحه ۴

پیش نویس قانون اساسی ابتدائی ترین حقوق کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان را نادیده گرفته است

شدت گرفتن بحران در اواسط دهه ۵۰
موجب میشد که دیگر شاه و درباریان
نتوانند مانند سابق بحکومت خود ادامه
دهند و توده‌های مردم نیز تن به آن

تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است مسئله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد

در پیش نویس قانون اساسی به هیچ یک از حقوق ابتدائی کارگران و
زحمتکشان اشاره‌ای نشده است.
در پیش نویس بویژه از ابتدائی ترین حقوق یعنی حق داشتن کار و حق
داشتن مسکن مناسب هیچ صحبتی در میان نیست.
به این مناسبت ما مقاله‌ای تحت عنوان «تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است
مسئله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد» تهیه کرده‌ایم که بخشی از آن را در
این شماره و بخش دیگر آن را در شماره آینده به چاپ می‌رسانیم.
بقیه در صفحه ۵

کارگران متحصن را به گلوله بستند

● هفت کارگر در نتیجه تیراندازی افراد کمیته مجروح شدند

در صفحه ۴

دولت انقلابی نیکاراکونه

برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد

در صفحه ۷

امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه دربرابر آرمان خلق فلسطین

از نوروز پیش تاکنون، هر روز شدت تیرها
در جنوب لبنان افزایش یافته است. این جنگ
ها در امتداد نوار جنوبی و برخی مناطق داخلی
منطقه مذکور جریان دارد. نیروهای اسرائیلی
با تمام امکانات خود ام از نیروهای هوایی
و دریایی و توپخانه در جنگ شرکت میکنند.
آنها پیش‌قدمی‌های پیروزی زمین خود را نیز
تحت پوشش نیروهای وابسته به راست‌گرایان
(فالاترستها) وارد عمل کرده، و حشیانه علیه
توده‌های منطقه «جبل عامل» و نیروهای ملی
بقیه در صفحه ۴

ره نمود به هواداران

رفقا!

بیش از پنجاه از قیام خونین ۲۱ بهمن
میگذرد در این مدت کارگران، دهقانان و
زحمتکشان میهن‌ما، که با قیام خونین و
سلطانه خویش رژیم دیکتاتوری شاه را
سنگون کردند و منتظر تغییرات اساسی در
بقیه در صفحه ۷

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای قیام باشد

بقیه سرمقاله

چرا بجای مجلس مؤسسان...

گفتند کافی است یکم. قانون اساسی را در اطاقهای دربسته تنظیم کنند و پس از تصویب شورای انقلاب به هیئت پرستی بگذارند، سپس وقتی سرودها بلند شد و اعتراضات افروغ گردید، رضایت دادند که تعداد ۷۲ نفر از «خبرگان» یعنی همان متولیان و قیم‌های مردم که باصلاح انتخابی هم خواهند بود، طرح پیش نویس قانون اساسی را مورد بررسی قرار داده و بتصویب مقتضای برسانت و سپس به هیئت پرستی بگذارند. باین ترتیب بجای مجلس مؤسسان که باید به وسیله نمایندگان واقعی مردم نقش تاسیس کننده داشته باشد «شیر بی‌مال و دم و اشکمی بنام مجلس خبرگان» اختراع میکنند.

معلوم نیست از دید اینها قانون اساسی باید چه چیز را ایجاد کند که احتیاج به «خبره» دارد؛ مگر جز این است که قانون اساسی باید روابط و مناسبات جامعه را بر مبنای منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و سایر اقشار خلقی تنظیم کرده و تداوم انقلاب را تامین کند؟ پس چه کسانی میتوانند این امر را بانجام رسانند؟ آیا جز کسانی که در قیام مردم شرکت کردند و به انقلاب خلق متقدّم بوده و بمنافع توده‌های زحمتکش مومن باشند؟

این کسان تنها و تنها نمایندگان واقعی مردمی هستند که با شرکت در قیام، فداکاریها و جانپازیهایی نمودند تا اینکه قیام را به پیروزی رساندند. اما از دید مدافعان مجلس «خبرگان» چنین نیست. کافی است کسانی که در امور قانونگذاری، آنچه نوع خاص آن «خبره» باشند بجای نمایندگان واقعی توده‌ها، برای آنان قانون اساسی بنویسند. ولابد همین منطبق را فردا در مورد مجلس شورای ملی هم بیان خواهند کرد. مردم سؤال میکنند مگر این «خبرگان» از قماش همان «خبرگان» نیستند که این پیش‌نویس قانون اساسی را تنظیم کرده‌اند؟ دیگر این پیش‌نویس چیزی جز در خدمت سرمایه‌داران و تثبیت همان سیستم سرمایه‌داری وابسته و نفی حقوق اساسی مردم نیست؟ آیا این قانون حقوق زحمتکشان را تامین کرده است؟ آیا حقوق خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی ما را تضمین کرده است؟ آیا حق مساوی زنان با مردان را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تامین کرده است؟ آیا اصولی برای حرکت در جهت قطع کامل نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم تودین‌نکرده است؟ حال این «خبرگان» می‌خواهند چکارکنند؟ با زرمه‌هایی که شنیده میشود و از سخنران این «خبرگان» ظرف چند هفته اخیر نیز معلوم شده است چنین بنظر میرسد که میخواهند همین پیش‌نویس را هم در جهت تثبیت منافع طبقاتی و قشری خود تغییر دهند. عبارات دیگر اگر تنظیم کنندگان پیش‌نویس در نوشتن یک قانون اساسی برخلاف منافع واقعی توده‌های زحمتکش وقت لازم را نداشته‌اند «خبرگان» این امر را بنص «احسن» تکمیل کنند. و در خدمت باین هدف است که از دید هیئت حاکمه کنونی، مجلس «خبرگان» بمجلس مؤسسانی که با تعداد بیشتری نماینده تشکیل شود برتری قابل توجهی دارد. از دید آنان این امتیازات بشرح زیر هستند:

۱- هیئت حاکمه کنونی بجای آنکه با ۷۰۰ نماینده (از هر ۵۰ هزار نفر یک نماینده) روبرو باشد تنها با ۷۲ نماینده روبروست و مسلم است که کنترل این عده بر مراتب آسان‌تر است.

۲- بفر ضمیمه کردن ۷۰۰ نفر برای فرستادن بمجلس مؤسسان احتمال آنکه از بین ۷۰۰ نفر نماینده افراد باصلاح نایاب پیدا شوند که حاضر نباشند در بحث فرمانبرداری کنند، وجود دارد. بنابراین به ۷۰۰ نفر نمیتوان اطمینان کرد.

۳- با بالا بردن نصاب هر ۵۰۰ هزار نفر یک نماینده و در اختیار داشتن ریش و قیچی درست خود، داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی نظیر رادیو تلویزیون، و امکانات دولتی، هیئت حاکمه با خیال راحت میتواند اطمینان داشته باشد که فقط کاندیدهای خودشان بمجلس «خبرگان» راه یافته و مجلس بی «اغیار» تشکیل خواهند داد. در این صورت به احتمال زیاد دیگر کسی پیدا نمیشود که ماهیت این قانون و این مجلس را برای توده‌ها تشریح کند.

۴- اصولا با دادن عنوان «مجلس خبرگان» بمجلسی که وظیفه تنظیم قانون اساسی را دارد در ذهن توده‌های ناآگاه، که متاسفانه در شرایط کنونی درسد با لایق را تشکیل میدهند، چنین تلقین میکنند که این مجلس، نباید مجلس نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان و اقشار خلق باشد، بلکه فقط «خبرگان» و «متولیان» و «قیم‌های» آنها و خلاصه افراد باصلاح و باصلاحیت، شایستگی شرکت در آن را دارند و باین ترتیب فکر توده‌ها را از فرستادن نمایندگان با مجلس منحرف کنند. (البته عناصر آگاه بخوبی میداند که هیچ‌کس مثل خود کارگران و زحمتکشان در امور آنها خبره نیست).

۵- اگر نصاب ۵۰ هزار نفر یک نماینده ملاک می‌بود، و آزادی انتخابات هم وجود داشت، آنوقت مسلما از میان خلقها، کارگران، دهقانان و زحمتکشان، نمایندگان باندازه کافی در مجلس مؤسسان شرکت میکردند که نگذارند هیئت حاکمه آنچه را که منافع طبقاتیشان حکم میکند در قانون اساسی بکنجاند. در حالیکه با این مجلس «خبرگان» این خطر برای هیئت حاکمه وجود ندارد.

۶- با این چنین مجلسی هیئت حاکمه انتظار دارد که هر چه زودتر سروه قضیه قانون اساسی را هم بیاورد چون میدانند گذشت زمان بمسودش نیست و هر روز که میگذرد اولاً تضادهای درونی خودشان تشدید میشود و ثانیاً توده‌های وسیع‌تری از مردم به نایامانی امور، ماهیت هیئت حاکمه، و اینکمی چوآهند انقلاب را در نیمه راه متوقف کنند، می‌خواهند مسیر مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های انقلابی مردم را منحرف سازند، بی می‌برند.

اینها علی‌الحد است که هیئت حاکمه کتونی روى تشکیل مجلس خبرگان بجای مجلس مؤسسان حتی بشکل ناقص آن، اینهمه اسرار ورزید و بالاخره با تحصیل نظرش بمردم آنرا مجمل کرد. شک نیست که آنها از درجه منافع طبقاتی خود باین اقدامات که بزبان خلقی است مستزده‌اند. مجسمی که می‌خواهند سرهم‌بندی کنند دقیقا نفی حاکمیت مردم است.

ما برخلاف کسانی که میگویند مردم حق قانونگذاری ندارند متقدّمیم که فقط کارگران، دهقانان، زحمتکشان و سایر اقشار خلقی یعنی اکثریت جامعه هستند که حق تنظیم، تدوین و تصویب قانون اساسی را دارند. بنظر ما نظیر:

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع منطقه...

که نقش ارتجاعی آنها و خیانتشان به آرمان فلسطین و همکاری و همدستی آنها با امپریالیسم و فالاتریتها و صهیونیستها در جریان جنگ تل زغر بیش از پیش برخلاف منطقه بویژه خلق فلسطین آشکار شده است.

در برابر این تجاوزات آشکار و توطئه‌های ننگین از سوی متلشوم امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع منطقه وظیفه نیروهای واقفانقلابی عبارت است از:

۱- مبارزه در دفاع از انقلاب فلسطین و تودمها و سرزمین جنوب لبنان و افشای ماهیت این عوامل توطئه‌گر و خیانتکار و بر باد شدن نقاب از چهره حقیقی و کره آنان.

۲- متحدار میهمیم که جریان حوادث و توطئه صهیونیستی - فالاتریتی یعنی توطئه‌های که از سوی امپریالیسم امریکا و دست‌نشاندهگان مرتجعش پشتیبانی میشود، آجتان افساد گسترده‌ای پیدا کرده است که جز با پشیمان و مواضع مثبت و عملی در پشتیبانی و تأیید و جابه جایش فلسطین، نمیتوان از شرکت در مبارزه با آن توطئه‌ها دم زد. همین جهت تأکید میکنیم که زمان موضع‌گیری‌هایی که در حرف و بدون پشتوانه عمل است سررسیده است.

۳- ما با آگاهی به حقیقت سرنوشت مشترک خلق ما و جنبش‌های منطقه و نیز با درک ماهیت دشمن مشترک، از نیروهای انقلابی می‌خواهیم که به پشتیبانی و دفاع قاطعانه از جنبش انقلابی فلسطین و جنبش مترقی لبنان برخیزند. دولت موقت تنها تاکنون هیچ اقدامی در حمایت از انقلاب فلسطین انجام نداده بلکه با پشتیبانی از گروه امل، عملا موضع خود را در مقابل جنبش خلق فلسطین نشان داده است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بار دیگر تأکید می‌کند که آماده است با تمام نیرو در کنار خلق‌های قهرمان فلسطین و لبنان با صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی بپیکار کند. دفاع از انقلاب فلسطین و جنبش‌های خواهان لبنان، خواست تودمهای وسیع خلق‌های سراسر ایران است.

مدیرانه در تزدیکی شرک میدا شروع شد و در طول منابع آب موجود در دامنه‌های سلسله جبال لبنان امتداد یافته به بل «فرعون» میرسد و از آنجا از خط ناسل بین حبله «فرن» و حبله «تین» گذشته تا پشته‌های شرقی و غربی و جبل شیخ میرسد این عواصم ها همان چیزی است که عواره سرگردگان موجودیت صهیونیستی، به هرمانسیتی مستقیا روی آن‌ها تأکید کرده و میکنند. مثلا در سال ۱۹۱۸ «بن‌گورون»، کسی که بعدها اولین رئیس دولت اسرائیل شد اظهار داشت حدود شمال دولت اسرائیل باید «جبل شیخ» و امتداد منابع آب آنرا شامل شود. عین گفته او چنین است:

«جبل شیخ سرچشمه منابع آب فلسطین است و نمیتوان آنرا از فلسطین جدا کرد. این سلسله جبال باید تماما تحت سیطره کسان باشد که فلسطین از آن آنهاست». دایان نیز بدیال شکت اهراب در سال ۱۹۶۷ خطاب به سران سازمان صهیونیست با عواصمی اظهار داشت: «مرزهای طبیعی اسرائیل جز مرزهای شمال آن، تاکنون تحقق یافته است».

از اینرو میتوان حجم و ماهیت توطئه‌های را که این روزها علاوه بر جنگ‌های بجاوگرانه مستقیم صهیونیستها، از سوی نیروهای دست راستی و جریان‌های ارتجاعی محلی در جنوب لبنان علیه جنبش مقاومت فلسطین و تودمهای لبنانی جریان دارد دریافت. توطئه‌های که بوسیله برخی عناصر مرتجعی که ماهیت و گذشته کثیف آنان برای تودمهای مردم چه در میان خلق فلسطین و در جنوب لبنان و چه در میان ما آشکار است، بدان‌دامن زده میشود، نقش این عناصر مرتجع و راست، بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که با تبلیغات زهر آگین و عاثنانه خویش زمینه توجیه سیاست‌های بجاوگرانه صهیونیستی-امپریالیستی را آماده کرده با پوشش دروغین دفاع از مردم جنوب لبنان، بی‌شمانه از پشت به انقلاب فلسطین و مبارزات تودمهای لبنانی خنجر میزنند. منظور ما نیروهای دست راستی و ارتجاعی امل است

و مترقی لبنان و نیز علیه انقلاب فلسطین که همدوش، از تاریخ و فرهنگ و سنت و خلق این منطقه دفاع میکنند، بکار گرفته‌اند. اسرائیل با دست یازیدن به چنین جنگ تجاوزکارانه‌ای در منطقه جنوب می‌خواهد اهداف زیر را تحقق بخشد:

۱- وادار کردن مردم به فرار از همکده‌ها و شهرهای جنوبی و خالی کردن منطقه از مردمی که با سرخسیتی تمام، سالهاست نیروهای انقلاب فلسطین و خلق فلسطین را زیر چتر حمایت‌خود گرفته‌اند.

۲- آشفته کردن اوضاع اقتصادی، اجتماعی اهالی جنوب از راه آسیب رساندن بمنابع درآمد و زندگی تودمها و استتلاک توان معنوی و مادی آنها با بیابان‌های وحشیانه بیدری و اعمال سیاست دزدانه سوخته.

۳- خنثی‌ساز کردن پیوند مبارزاتی موجود. میان انقلاب فلسطین و اهالی جنوب لبنان از طریق تبلیغات و القای این ساله به مردم که جنبش مقاومت فلسطین مسبب این جنگ ویرانگر و مخرب است.

۴- گسترده کردن مناطق زیر نفوذ نیرو حائ که با صهیونیستها ائتلاف دارند. این امر از راه انضمام مناطق جدیدی بمحدوده اشغال شده میتواند صورت بگیرد.

۵- فرایش توان انقلاب فلسطین و باز داشتن این انقلاب از رویدادها با توطئه‌های تسلیم طلبانه و تالیق شوهر وقت نامعاری خیانت آمیز سادات با دشمن صهیونیستی، کند کردن و بازداشتن نیروهای انقلاب فلسطین و جنبش ملی و ترقیخواه لبنان از مترکز کردن نیرو و وارد آوردن شرعیه صهیونیسم و امپریالیسم. ۶- زمینه سازی برای تحقق، خواست، های پلید و تودمطلبانه، صهیونیستها مبنی بر ست اندازی بر تمامی «جبل عامل» در جهت اجرای سیاست همیومی صهیونیستی-امپریالیستی که اساس آن در کنگره «صلح» ۱۹۱۹ (بیسن انگلیس و فرانسه و امریکا) پایه‌گذاری شد. همانطور که در اسناد رسمی صهیونیستها در زمینه حدود مورد ادعای دولت اسرائیل ذکر شده این منطقه از شمال در کنار دریای

کارگران متحصن را به گلوله بستند

شهری، ماموران کمیته پس از تیراندازی به کارگران پراکنده می‌شوند و روز بعد آنها می‌کنند که کارگران پسوی آنها تیراندازی کرده‌اند! کارگران ضمن اعتراض شدید باین اقدام چند تن از ماموران «زبان دریایی» را که در هنگام وقوع حادثه در محل بودند به پنهان‌سازی گیرند و آنها نیز تأیید می‌کنند که کارگران مسلح نبوده و تیراندازی از جانب ماموران کمیته انجام گرفته است.

کارگران متحصن شرکت آمریکائی «پراون اندورت» که پس از ماهی بیکاری و سختی و فشار زندگی این چنین ناچارانرا نه به گلوله بستند عواصم متکبری و مجازات‌خوری عاملان تیراندازی شدند و اظهار داشتند: چنانچه مقامات دولتی عاملان تیراندازی را متکسیر نکنند مجبور خواهیم شد این اقدام را خود انجام دهند.

کارگران شرکت پالتیس خواهان ادامه کار هستند

سنکرستان - نمایندگان ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت پالتیس از تاریخ ۲۳ تیر در محل شرکت متحصن شدند. این نمایندگان که حدود ۲۵۰ نفر هستند خواهان پرداخت مستمما، حقوق ضابطه و مزایای کارگران هستند. شرکت پالتیس یکی از شرکت‌های هزار یزدانی است که ملی شده است.

کارگران که در استخدام رسمی شرکت هستند کارهای ساختمانی یک کارخانه سمنگ و بافتنی را به پایان رسانده‌اند. طبق قرارداد قبلی کارگران باید در همین کارخانه استخدام شوند ولی مدیران فعلی از کارگران می‌خواهند که صفحه حساب کنند.

کارگران ضمن پافشاری برای دریافت‌های با حقوق ضابطه خود خواهان ادامه کار در کارخانه هستند.

پیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت آمریکائی «پراون اندورت» که پیمانکار ساختمانی تأسیسات چاپ‌بهار (نیروی دریائی) بوده است از اوایل پائیز سال گذشته بیکار شدند. کارگران که برای دریافت حقوق خود بارها بمستولان وزارت کار و نیروی دریائی مراجعه کرده و عملا نتیجه‌ای نگرفته بودند صبح روز یکشنبه ۳۱ تیر در محل شرکت که در اختیار نیروی دریائی است، متحصن می‌شوند.

قبلا به کارگران گفته شده بود روزیکشنبه حقوقتان پرداخت خواهد شد، اما از آنجا که مستولان به این وعده عمل نکردند کارگران تصمیم به تحصن می‌گیرند. کارگران نخستین روز تحصن خود را با آرامش سری می‌کنند و ضمن متشکل شدن شرط پایان تحصن را دریافت حداقل حقوق خود یعنی دریافت حقوق، قرار می‌دهند اما در آخرین ساعات یکشنبه، هنگامیکه گروهی از کارگران خوابیده بودند، ماموران مسلح کمیته ۳ به محل متحصن مراجعه می‌کنند و از کارگران می‌خواهند به تحصن ادامه دهند. چند تن از کارگران در حال بسر شمرن عواصمی خود و توضیح دادن به ماموران کمیته و پافشاری به ادامه تحصن بودند که تاکنون ماموران مسلح شروع به تیراندازی می‌کنند که تحت تن از کارگران مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند.

اسامی این کارگران عبارت است از: مجید سولفی، قربان حسن‌پور، رضا قاضی، غلام قاضی، حسین فرج‌اللهی، محمدنسی و محمود

ماموران مسلح کمیته شماره ۴ نیمه شب یکشنبه (۳۱ تیر) کارگران متحصن شرکت آمریکائی «پراون اندورت» را به گلوله بستند و هفت نفر از کارگران را مجروح کردند. کارگران تیرخورده را که به تهران کلینیک منتقل کرده بودند، روز دوشنبه اول مرداد به بیمارستان ارتش بردند.

عمل فاشیستی و ضد کارگری حمله‌سازانه به کارگران که برای چندمین بار تکرار می‌شود اقدامی است که حتی عاملان رژیم گذشته نیز از دست زدن به آن هراس داشتند. افسراد مزدور و ضدکارگر که ناچارانرا نه و برخلاف تمام موازین انسانی و حقوقی، کارگران را مسلمانان مورد تهاجم قرار می‌دهند از سکوت و بی‌تفاوتی مستولان کمیته‌ها و مقامات دولتی نسبت به این وقایع جنایت‌بار استفاده می‌کنند و هر بار بی‌برواری از گذشته به این اقدامات فاشیستی متوسل می‌شوند.

وقتی قاتلان کارگر شهید ناصر توفیقان و ضاربان کارگران پارس سینو (خرچهره) و حمله کنندگان به اجتماعات کارگری و نیروهای مترقی بدون هیچگونه تهاجم و تعصب قانونی، آزادانه به اعمال خود ادامه می‌دهند، جای شگفتی نیست که هر چند وقت بیکار شاهد چنین مهاجمات و اعمال جنایت آمیز باشیم. کارگران شرکت آمریکائی «پراون اندورت» و همه نیروهای مترقی خواهان تعقیب و دستگیری فوری عاملان تیراندازی به کارگران هستند.

کارگران متحصن را چگونه به گلوله بستند

اکثریت مردم خود قانون است. البته نظری که در شرایط دموکراتیک و نه در این شرایط توسط نمایندگان واقعی اکثریت مردم در قوانین اساسی تبلور یافته و روابط و مناسبات جامعه را بوجود آورد. بنظر ما هیچ مرجع دیگری چنین سندی ندارد.

ما همانطوریکه قبلا گفته‌ایم برغم همه این مسائل و برغم آنکه این مجلس را صالح برای تنظیم قانون اساسی می‌پنداریم و کوچکترین اعتقادی باینکه این چنین مجلسی میتواند سندی بنفع مردم ارائه دهد نداریم و نتیجه از قبیل برآیمان معلوم است، اما از آنجا که وظیفه خود میدانیم اتمام امکانات استفاده کرده تا واقعیات را هر چه روشن‌تر برای مردم توضیح دهیم لذا تصمیم گرفتیم که در این انتخابات مجلس خبرگان شرکت کنیم.

ما خواهان تساوی کامل حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان با مردان هستیم

از اعتصاب کارگران شرکت ساختمانی پیروز چه درسهایی می توان آموخت؟

تهران - کارگران شرکت ساختمانی پیروز که از تاریخ سوم تیرماه ۵۸ به منظور رسیدن به خواستهای برحق خود دست به اعتصاب زده بودند در تاریخ ششم تیرماه ۵۸ به اعتصاب خود پایان دادند.

کارگران این شرکت که در بدترین شرایط زندگی پریشانی را میگذرانند و در ازاء ۱۱ ساعت کار روزانه ۶۵ تا ۶۵ تومان مزد میگیرند، پس از مذاکرات پرتنشیه خود با کارفرما و عقبافتادن چند ماه حقوقشان سرانجام دست به اعتصاب زدند و خواستهای خود را به شرح زیر مطرح نمودند:

- ۱- پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲- کاهش ساعات کار به ۸ ساعت در روز.
- ۳- افزایش دستمزد به میزان ۸۵ تا ۸۵ تومان در روز.
- ۴- پرداخت حقوق در سر هر ماه.

بالاخره پس از سه روز اعتصاب حواله ای به کارگران داده شد که حقوق عقب افتاده خود را در عرض سه یا چهار روز دریافت کنند و حقوق ماه گذشته ۲۵ الی ۲۵ روز دیگر پرداخت شود. کاهش ساعات کار و خواستهای دیگر کارگران نیز بهمد موقوف شد.

پیروز چه درسهایی می توان آموخت؟
کارگران به درستی باین نتیجه رسیدند که بهجز با اقدامات قاطع نمیتوان کارفرما را به عقب نشینی وادار کرد و به خواستهای خود رسید. به همین علت بود که دست به اعتصاب زدند و تا حدی موفق هم شدند. اما اشتباه کارگران در این است که باز هم قبول کردند که به پاداری از خواستهای آنها درآیند رسیدگی شود. کارگران میبایست قاطعانه ایستادگی می کردند و به همه خواستهای صنی خود میرسیدند. تجربه های بسیاری نشان داده است که کارفرما همیشه امروز و فردا می کند و سعی می کند تا آنجا که ممکن است به خواستهای کارگران جواب مثبت ندهد.

تهران - کارگران شرکت ساختمانی پیروز که از تاریخ سوم تیرماه ۵۸ به منظور رسیدن به خواستهای برحق خود دست به اعتصاب زده بودند در تاریخ ششم تیرماه ۵۸ به اعتصاب خود پایان دادند.

کارگران این شرکت که در بدترین شرایط زندگی پریشانی را میگذرانند و در ازاء ۱۱ ساعت کار روزانه ۶۵ تا ۶۵ تومان مزد میگیرند، پس از مذاکرات پرتنشیه خود با کارفرما و عقبافتادن چند ماه حقوقشان سرانجام دست به اعتصاب زدند و خواستهای خود را به شرح زیر مطرح نمودند:

- ۱- پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲- کاهش ساعات کار به ۸ ساعت در روز.
- ۳- افزایش دستمزد به میزان ۸۵ تا ۸۵ تومان در روز.
- ۴- پرداخت حقوق در سر هر ماه.

بالاخره پس از سه روز اعتصاب حواله ای به کارگران داده شد که حقوق عقب افتاده خود را در عرض سه یا چهار روز دریافت کنند و حقوق ماه گذشته ۲۵ الی ۲۵ روز دیگر پرداخت شود. کاهش ساعات کار و خواستهای دیگر کارگران نیز بهمد موقوف شد.

قطعنامه کارگران شهرستان بانه در تظاهرات و راهپیمایی روز ۲۸ تیر ۵۸

تهنای.
۸- معمار شهردار باید فقط در حیطه اختیارات خود عمل نماید (یعنی فقط نقش برداری) نه دخالت در انتخاب کارگر و بنا و آزار آنها.
۹- به کارگرفتن کارگران بومی (مگر در صورت ضرورت و احتیاج).
۱۰- تأمین بیمه کارگران واجد شرایط و مستحق.
۱۱- کارفرما بدون بهانه مشروع حسیق اخراج کارگر را ندارد.
۱۲- پرداخت دستمزد کارگران در روزهای بیماری.
۱۳- پشتیبانی از خواستهای کارگران تمام ایران بخصوص آزادی کارگران زندانی شرکت نفت.
۱۴- ایجاد کارخانه در کردستان.

۱- به هم ملحق شدن دو سندیکای شهر و تشکیل يك سندیکای واقعی که نماینده خواستهای کارگران شهر باشد.
۲- تثبیت کار روزانه ۸ ساعت برای کارگران.
۳- تعطیلی روز جمعه برای کارگران و احتساب حقوق آن در روز از طرف صاحب کار.
۴- برکناری سید خلیل از نمایندگی کارگران و استاد احمد فتی از مسامری و کارشناسی شهرداری.
۵- نماینده باید يك نفر کارگر و زحمتکش و از خود ما باشد نه کسی دیگر.
۶- وام باید به کارگران بیکار و از کسار افتادگان و واجدین شرایط داده شود نه کسی دیگر.
۷- برابری حقوق کارگران زن و مرد

جریمه و تنبیه باید در کارخانه ها از بین برود

تهنای.
۸- معمار شهردار باید فقط در حیطه اختیارات خود عمل نماید (یعنی فقط نقش برداری) نه دخالت در انتخاب کارگر و بنا و آزار آنها.
۹- به کارگرفتن کارگران بومی (مگر در صورت ضرورت و احتیاج).
۱۰- تأمین بیمه کارگران واجد شرایط و مستحق.
۱۱- کارفرما بدون بهانه مشروع حسیق اخراج کارگر را ندارد.
۱۲- پرداخت دستمزد کارگران در روزهای بیماری.
۱۳- پشتیبانی از خواستهای کارگران تمام ایران بخصوص آزادی کارگران زندانی شرکت نفت.
۱۴- ایجاد کارخانه در کردستان.

تهنای.
۸- معمار شهردار باید فقط در حیطه اختیارات خود عمل نماید (یعنی فقط نقش برداری) نه دخالت در انتخاب کارگر و بنا و آزار آنها.
۹- به کارگرفتن کارگران بومی (مگر در صورت ضرورت و احتیاج).
۱۰- تأمین بیمه کارگران واجد شرایط و مستحق.
۱۱- کارفرما بدون بهانه مشروع حسیق اخراج کارگر را ندارد.
۱۲- پرداخت دستمزد کارگران در روزهای بیماری.
۱۳- پشتیبانی از خواستهای کارگران تمام ایران بخصوص آزادی کارگران زندانی شرکت نفت.
۱۴- ایجاد کارخانه در کردستان.

با تلاش کارگران نورد ذوب آهن: پاداش، بین کارگران، تکنیسین ها و مهندسین بطور مساوی تقسیم شد

این پاداش هرساله براساس میزان حقوق تقسیم شد و کارگران که پایین ترین حقوق را دریافت می کردند پاداش کثرتی می گرفتند اما اسامی با اقدام انقلابی کارگران این نابرابری از میان رفت.

کارگر از آگاهی سیاسی و مهارت زیادی در کار برخوردار بود و سالهای عمرش را در شرایط سخت صرف تأمین معاش خانواده اش کرده بود. مراسم ختم او با شرکت همه زیادی از روستائیان و هواداران سازمان برگزار شد.

این پاداش هرساله براساس میزان حقوق تقسیم شد و کارگران که پایین ترین حقوق را دریافت می کردند پاداش کثرتی می گرفتند اما اسامی با اقدام انقلابی کارگران این نابرابری از میان رفت.

کارگر از آگاهی سیاسی و مهارت زیادی در کار برخوردار بود و سالهای عمرش را در شرایط سخت صرف تأمین معاش خانواده اش کرده بود. مراسم ختم او با شرکت همه زیادی از روستائیان و هواداران سازمان برگزار شد.



هشدار صیادان به دولت

در اعلامیه ای که از طرف سندیکاهای صیادان مناطق بندر ترکمن و گمش دهانتار یافته، آمده است:

«از تیرماه گذشته زاندارمری بندر ترکمن و شیلات آئورانه مبارزه با صیادان حاشیه نشین دریای خزر را مانند سابق از سر گرفته اند. ما تراکنه ساحل نشین که زمینهای زراعتی ما را رژیم سابق بهزور از دستمان گرفته است هیچ منبع معاشی شیر از دریا نداریم. آیا ما بازم باید با مأموران مسلح زاندارمری روبرو باشیم؟ ما قبول داریم که دریاهمه ملت ایران تعلق دارد ولی شرایط و محل زندگانی ما طوری است که منبع درآمدی غیر از دریا نمی توانیم داشته باشیم. ما از دولت و مسئولان امر سوال می کنیم ما ساحل نشینان از چه طریقی باید شکم خود و زن و بچه هایمان را سر کنیم؟ ما تابع آن نوع برنامهدونی هستیم که بتواند حد اقل زندگی ما را تأمین کند و در قبال آن سندیکای صیادان تعهد می نماید که جلوگیری از صید بیرویه در موقع تخم ریزی را بعهده بگیرد.»

تشکیل سندیکای صیادان

صیادان منطقه بندر ترکمن جهت تشکیل سندیکای در روز شنبه ۱۹ تیرماه ۵۸ در محل شهرداری این شهر اجتماع کردند. پس از ایراد سخنرانی هانی توسط یکی از صیادان و نایبند کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن- بندر ترکمن درباره لزوم حفظ همبستگی و اتحاد زحمتکشان و همچنین بحث در مورد مشکلات صیادان منطقه از میان داوطلبین نایبندگی سندیکای رای گیری بعمل آمد و ۵ نفر به عنوان عضو اصلی و دوفتر علی البند اعتصاب شدند.

سندیکای صیادان منطقه بندر ترکمن هدفها و خواستهای فوری خود را به شرح زیر اعلام کرد.

- ۱- انحلال گارد شیلات و پرداخت هزینه حفاظت از دریا که به زاندارمری تعلق می گرفت به صیادان ساحلی هر منطقه. در قبال آن سندیکای صیادان تعهد می کند که جلوگیری از صید بیرویه در مواقع تخم ریزی را به عهده گیرد.
- ۲- رسیت یافتن صیادان آزاد از طرف شیلات.
- ۳- صدور کارت صیادی به صیادان آزاد از طرف شیلات منطقه با معرفی سندیکا
- ۴- احداث فروشگاه ماهی در شهر و بخش های ترکمن نشین توسط صیادان آزاد.

صیادان منطقه بندر ترکمن جهت تشکیل سندیکای در روز شنبه ۱۹ تیرماه ۵۸ در محل شهرداری این شهر اجتماع کردند. پس از ایراد سخنرانی هانی توسط یکی از صیادان و نایبند کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن- بندر ترکمن درباره لزوم حفظ همبستگی و اتحاد زحمتکشان و همچنین بحث در مورد مشکلات صیادان منطقه از میان داوطلبین نایبندگی سندیکای رای گیری بعمل آمد و ۵ نفر به عنوان عضو اصلی و دوفتر علی البند اعتصاب شدند.

سندیکای صیادان منطقه بندر ترکمن هدفها و خواستهای فوری خود را به شرح زیر اعلام کرد.

- ۱- انحلال گارد شیلات و پرداخت هزینه حفاظت از دریا که به زاندارمری تعلق می گرفت به صیادان ساحلی هر منطقه. در قبال آن سندیکای صیادان تعهد می کند که جلوگیری از صید بیرویه در مواقع تخم ریزی را به عهده گیرد.
- ۲- رسیت یافتن صیادان آزاد از طرف شیلات.
- ۳- صدور کارت صیادی به صیادان آزاد از طرف شیلات منطقه با معرفی سندیکا
- ۴- احداث فروشگاه ماهی در شهر و بخش های ترکمن نشین توسط صیادان آزاد.

اخبار کوتاه کارگری

پوکان - کارگران کوره پزخانه آریا. واقع در جاده میاندوآب پوکان برای دریافت مزد برابر با کارگران دیگر کوره پزخانه بیبه کارفرما مزایمه کردند اما او با پرداختن بهه کارگران گفت که اگر با این شرایط حاضر به کار نباشید اخراج خواهید شد و وقتی با مقاومت کارگران روبرو شد کارگران را بازور اسلحه از محل کارشان اخراج نمود. کارگران این کوره پزخانه تصمیم گرفتند که به هیچ وجه زیر بار ستم سرمایه دار نروند و مبارزه خود را برای بازگشت به کار و دریافت مزد مناسب ادامه دهند.

گرمسار - کارگران قالب سازی تولیدمومیل گرمسار هنگامی که روز جمعه ۲۲ تیر ۵۸ به عنوان اعتراض به دستمزد خود مانع خروج آجر از کوره پزخانه شده بودند مورد حمله گروهی از عمال کارفرما قرار گرفته و چند نفر از آنها مجروح شدند. کارگران قالب سازی از مدتی پیش همراه با کارگران کوره پزخانه به خاطر یکسره کردن کار (از ساعت ۷ صبح تا ۳ عصر) دست به اعتصاب زدند. حقوق کارگران کثرتی این کارخانه به ازاء ۵۰۰۰ آجر ۷۵ تومان است. پدیداین این حادثه خانواده های کارگران که اکثر آنها بومی هستند پدید آگاه. مراسم کرده و خواهان رسیدگی به این موضوع شدند.

سنبلج - کارگران و کارکنان کارخانه پوشاک سنبلج ضمن پشتیبانی از خواستهای همکاران خود در تهران اظهار داشتند ما خواستهای شش گانه آنها که افزایش حقوق، تهیه مسکن و پرداخت وام کارگران و طرح طبقه بندی مشاغل از جمله آنهاست، انجرا نشود به مبارزه ادامه می دهند و در صورت عدم اجرای این خواستها در تاریخی که از طرف کارگران و کارکنان واحد مرکزی اعلام شود اعتصاب می کنند.

اخبار کوتاه کارگری

پوکان - کارگران کوره پزخانه آریا. واقع در جاده میاندوآب پوکان برای دریافت مزد برابر با کارگران دیگر کوره پزخانه بیبه کارفرما مزایمه کردند اما او با پرداختن بهه کارگران گفت که اگر با این شرایط حاضر به کار نباشید اخراج خواهید شد و وقتی با مقاومت کارگران روبرو شد کارگران را بازور اسلحه از محل کارشان اخراج نمود. کارگران این کوره پزخانه تصمیم گرفتند که به هیچ وجه زیر بار ستم سرمایه دار نروند و مبارزه خود را برای بازگشت به کار و دریافت مزد مناسب ادامه دهند.

گرمسار - کارگران قالب سازی تولیدمومیل گرمسار هنگامی که روز جمعه ۲۲ تیر ۵۸ به عنوان اعتراض به دستمزد خود مانع خروج آجر از کوره پزخانه شده بودند مورد حمله گروهی از عمال کارفرما قرار گرفته و چند نفر از آنها مجروح شدند. کارگران قالب سازی از مدتی پیش همراه با کارگران کوره پزخانه به خاطر یکسره کردن کار (از ساعت ۷ صبح تا ۳ عصر) دست به اعتصاب زدند. حقوق کارگران کثرتی این کارخانه به ازاء ۵۰۰۰ آجر ۷۵ تومان است. پدیداین این حادثه خانواده های کارگران که اکثر آنها بومی هستند پدید آگاه. مراسم کرده و خواهان رسیدگی به این موضوع شدند.

سنبلج - کارگران و کارکنان کارخانه پوشاک سنبلج ضمن پشتیبانی از خواستهای همکاران خود در تهران اظهار داشتند ما خواستهای شش گانه آنها که افزایش حقوق، تهیه مسکن و پرداخت وام کارگران و طرح طبقه بندی مشاغل از جمله آنهاست، انجرا نشود به مبارزه ادامه می دهند و در صورت عدم اجرای این خواستها در تاریخی که از طرف کارگران و کارکنان واحد مرکزی اعلام شود اعتصاب می کنند.

اخبار کوتاه کارگری

پوکان - کارگران کوره پزخانه آریا. واقع در جاده میاندوآب پوکان برای دریافت مزد برابر با کارگران دیگر کوره پزخانه بیبه کارفرما مزایمه کردند اما او با پرداختن بهه کارگران گفت که اگر با این شرایط حاضر به کار نباشید اخراج خواهید شد و وقتی با مقاومت کارگران روبرو شد کارگران را بازور اسلحه از محل کارشان اخراج نمود. کارگران این کوره پزخانه تصمیم گرفتند که به هیچ وجه زیر بار ستم سرمایه دار نروند و مبارزه خود را برای بازگشت به کار و دریافت مزد مناسب ادامه دهند.

گرمسار - کارگران قالب سازی تولیدمومیل گرمسار هنگامی که روز جمعه ۲۲ تیر ۵۸ به عنوان اعتراض به دستمزد خود مانع خروج آجر از کوره پزخانه شده بودند مورد حمله گروهی از عمال کارفرما قرار گرفته و چند نفر از آنها مجروح شدند. کارگران قالب سازی از مدتی پیش همراه با کارگران کوره پزخانه به خاطر یکسره کردن کار (از ساعت ۷ صبح تا ۳ عصر) دست به اعتصاب زدند. حقوق کارگران کثرتی این کارخانه به ازاء ۵۰۰۰ آجر ۷۵ تومان است. پدیداین این حادثه خانواده های کارگران که اکثر آنها بومی هستند پدید آگاه. مراسم کرده و خواهان رسیدگی به این موضوع شدند.

سنبلج - کارگران و کارکنان کارخانه پوشاک سنبلج ضمن پشتیبانی از خواستهای همکاران خود در تهران اظهار داشتند ما خواستهای شش گانه آنها که افزایش حقوق، تهیه مسکن و پرداخت وام کارگران و طرح طبقه بندی مشاغل از جمله آنهاست، انجرا نشود به مبارزه ادامه می دهند و در صورت عدم اجرای این خواستها در تاریخی که از طرف کارگران و کارکنان واحد مرکزی اعلام شود اعتصاب می کنند.

توسط کارفرما علیه کارگران آجزیری ارومیه

مسئولین کارخانه آجزیری از جمله سهامدار عهد آن قاسم مسامری بعد از قیام دست به اخراج کارگران نیازز زده و عمال مسلح دسواربابه را در اطراف کارخانه مستقر کرده تا کارگران نتوانند علیه اخراج نایبندگان و همکاران خود اعتراض نمایند. کارگران اخراجی در نامه سرکشاده خود به وزیر کار توطئه ها و اعمال ضد انقلابی مسئولان کارخانه را افشا و خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده اند.

- ۱- بازگشت بدون قید و شرط نماینده کارگران.
- ۲- پرداخت حقوق و دستمزد عادلانه.
- ۳- پرداخت کلیه مزایای کارگری مندرج در قانون کار.
- ۴- پرداخت سود سهام سال ۵۶-۵۷.
- ۵- تصفیه کلیه عوامل ضد انقلابی و ضد کارگری.
- ۶- رسی نمودن کارگران.
- ۷- پرداخت دستمزد عادلانه.
- ۸- تشکیل بدون قید و شرط شورای کارگری در سطح کارخانه.
- ۹- بیمه نمودن تمام کارگران.
- ۱۰- ارسال لیست حقوق و دستمزد دریافتی به اداره بیمه.

از طرف کارگران اخراجی آجزر میباشی ارومیه برای کارگران.

کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه: علیه هر رژیم ضد کارگری مبارزه می کنیم

کرمانشاه - کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه با انتشار اعلامیه ای خواستهای خود را مطرح کرده و اعلام داشتند که بر صورت عدم رسیدگی به این خواستها دست به اعتصاب خواهند زد.

در اعلامیه کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه آمده است:

ما کارگران زحمتکش به خاطر محرومیت های که بدستامیم همواره در کنار دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مسئول این همه خرابی وضع ما بود قرار داشتیم و علیه آن مبارزه کردیم تا در فرای پیروزی دیگر حاصل دستمزد ما: چپب مفتخورهای زالو سفت نرود، ولی متأسفانه در این چند ماهی که از انقلاب گذشته به تنها وضع مازحمتکشان تفاوتی نکرده بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنیم میگویند سیر انقلابی داشته باش، به خاطر انقلاب گشت کن تا زنیو بهمه پایت از گرسنگی بپیرد. گشت کن تا صاحب کار روز بروز چاقتر از روز قبل شود. چرا گشت را آن سرمایه داران و کارخانه داران

کرمانشاه - کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه با انتشار اعلامیه ای خواستهای خود را مطرح کرده و اعلام داشتند که بر صورت عدم رسیدگی به این خواستها دست به اعتصاب خواهند زد.

در اعلامیه کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه آمده است:

ما کارگران زحمتکش به خاطر محرومیت های که بدستامیم همواره در کنار دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مسئول این همه خرابی وضع ما بود قرار داشتیم و علیه آن مبارزه کردیم تا در فرای پیروزی دیگر حاصل دستمزد ما: چپب مفتخورهای زالو سفت نرود، ولی متأسفانه در این چند ماهی که از انقلاب گذشته به تنها وضع مازحمتکشان تفاوتی نکرده بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنیم میگویند سیر انقلابی داشته باش، به خاطر انقلاب گشت کن تا زنیو بهمه پایت از گرسنگی بپیرد. گشت کن تا صاحب کار روز بروز چاقتر از روز قبل شود. چرا گشت را آن سرمایه داران و کارخانه داران

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که میتوان صنایع، بانکها و شرکت های وابسته را ملی کرد

شرح مختصری از زندگی رفقای که...

درمیتنگ بزرگ دانشگاه تهران کاندیداهای سازمان...

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱



انتقالبی او درهای تازه ای گرفت.

او در سال ۵۳ از زندان آزاد شد اما قبل از آن توسط رفیق چری از دوزخ زندان سازمان معرفی شد و پس از آزادی بلافاصله با سازمان در ارتباط قرار گرفت و چون وظیفه شناسی کالجهای سلطنتی رژیم... با او واگذار شده بود بعنوان عضو علمی سازمان شروع به فعالیت کرد اما قبل از این که این شناساییها مورد استفاده سازمان قرار گیرد، پس از شهادت رفیق کارگر، یوسف زرکاری ارتباط سازمانیاش قطع شد و تلاش جدیدی را برای ارتباط با سازمان آغاز کرده تا این که در سال ۱۳۵۳ موفق شد دوباره با سازمان تماس گرفته و با رفیق شهید اسماعیل عابدی در ارتباط تشکیلاتی قرار گیرد.

در سال ۵۴، ساواک به روابط او مشکوک شد و به خیال این که می تواند از طریق او به دیگر اعضای سازمان دست یابد او را دستگیر نمود وزیر وحشیانه ترین شکنجهها قرارداد، اما همه شکنجهها بی اثر ماند و تمام اطلاعات رفیق... در هیچ قسمتی در رابطه با او دستگیر نشد.

ساواک با این که نتوانست بهرغم همه شکنجه های وحشیانه اش رابطه رفیق را با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کشف کند عملاً هیچ مدرکی از رفیق نداشت با این همه او را به اتهام ارتباط با سازمان ۸ سال زندان محکوم کرد. اما پس از ۸ سال زندان سرانجام توسط خلق ایران از زندان آزاد شد و بلافاصله فعالیت های انقلابی خود را در سازمان چریکهای فدائی خلق ادامه داد.

رفیق دانشگری

رفیق رفیق دانشگری در سال ۱۳۳۶ در کردستان بدینا آمد والیدین رفیق لعل آذربایجان بودند اما از آنجا که در میان خلق گرد میزبند رفیق از کودکی با پدرها و رنجهای زحمتکشان کرد آشنا شدند سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه شد و تحصیلاتش را در رشته داروسازی دانشگاه تبریز پایان رساند رفیق از سال ۳۷ پیگیرانه با فعالیت های مبارکمیستی پرداخت و در همان حال در مبارزات دانشجویی فعالانه شرکت داشت.

در سال ۲۹ رفیق رفیق دانشگری با منافق لنگی تبریزی آشنا شد. در این سال مسئله مبارزه مسلحانه برای رفقا مطرح شده بود که

رفیق در جریان آن قرار گرفت و آنرا بعنوان تنها راه رهائی خلق از زیر ستم امپریالیسم قاطعانه پذیرفت و به سازمان چریک های فدائی خلق ایران پیوست و بعد با نظر سازمان همراه رفیق لنگی به تهران آمد. در آن سال، سازمان برای بزرگداشت به تأثیر عملیات مسلحانه روی توده های زحمتکش وظیفه تفضیح در افکار عمومی و برخورد با نظریات تودمها را به رفیق محول کرد.

رفیق در تهران همراه رفقای شهید محمود احمدزاده - احمدزیرم و اسدالله فتاحی و منافق لنگی در یک خانه تیمی مشغول فعالیت بود که در تیرماه ۱۳۵۵ توسط چنانکاران شهربانی و ساواک شناسایی و دستگیر شد. رفیق بعد از مقاومت در زیر شکنجه های مزدوران شهربانی و ساواک از زندان شهربانی به زندان اوین و از آنجا بعد از گذراندن دوره بازجویی مجدداً به زندان قصر منتقل شد و در بیدادگاه رژیم بنده سال زندان محکوم شد. رفیق در این بیدادگاه از حقوق زحمتکشان قاطعانه دفاع کرد و در طول زندان برای شناختن به آگاهی سیاسی خود و همزمان زندانبانان تلاش پیگیر داشت و در کلیه مبارزات صنفی - سیاسی زندان فعالانه شرکت



میکرد تا اینکه در آذرماه ۱۳۵۷ بدست توانای مردم از زندان آزاد و بلافاصله وارد صحنه های مبارزاتی تودمها شد و فعالیت های تشکیلاتی مجدد خود را در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ادامه داد.

حشمت رفیقی

رفیق حشمت الله رفیقی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده کارگری متولد شد. زادگاهش در آن دوران آتش مبارزات ضد امپریالیستی را شعله ور ساخته بود و کارگران حوزه نفت خیز جنوب پرچم مبارزه ضد امپریالیستی را باهتر درآورده بودند. فضای شهرهای کارگری جنوب را حرکات و واژه ها و مفاهیم انقلابی پر کرده بود.

استمرار وحشیانه امپریالیسم انگلیس سبب فقر و تنگدستی عظیمی برای کارگران جنوب بود تحت چنین شرایطی فقرت بی پایان از امپریالیستها در ذهن کارگران شکل میگرفت. رفیق پس از پایان دوران تحصیل ابتدایی در آموزشگاه شرکت ملی نفت در آغازجاری مشغول فراگیری حرفه های تراشکاری و

میکانیکی شد. و پس از پایان دوره مساعده آموزشگاه در پالایشگاه آبادان مشغول کار شد. طی یکسال و نیمی که در پالایشگاه آبادان کار می کرد درهای گرانهایالیسی از مکتب کارگران آبادان فراگرفت، و یکی از بهترین دورانهای زندگی او محسوب می شود. پس از طی این مدت به پالایشگاه تهران منتقل شد و درهای آموخته را در پالایشگاه تهران بکار بست و همیشه یکی از سازماندهان اعتصابات پالایشگاه بود، با آغاز مبارزه مسلحانه در ایران فعالیت های صنفی-سیاسی رفیق ابعاد تازه ای به خود گرفت و به همین دلیل برای همراه کردن خود با مبارزه، با نقش قبلی



خود را به پناهگاه پالایشگاه منتقل نمود. و در تکثیر و چاپ جزوات و اعلامیه های سازمانهای رزمنه و توزیع آنها در مقیاس وسیعی فعالانه بکار پرداخت. طی این مدت کتابهای زیادی را چاپ و منتشر نمود. هنگام با این حرکت در سازماندهی اعتصابات کارگری فعالانه شرکت می نمود در سال ۵۳ در پی یورش شیاه ساواک دستگیر و تحت شکنجه طاقت فرسا قرار گرفت، طی ده روز اول بازجویی دژخیسان ساواک وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی را اعمال نمودند، و با شکنجه و تحقیر مذبحخانه سعی در کشتن روحیه رفیق کردند پس از ده روز او را بهوش به بیمارستان شهربانی منتقل کردند. پس از جراحی که به برپایی او انجام دادند با پایهای گچ گرفته بعد از سه ماه به کسبیت شهربانی منتقل شد و مجدداً شکنجه شروع گردید و این بار شکنجه های روحی حرفه ایی ساواک گردید. رفیق پس از ۷ ماه به زندان قصر منتقل شد.

بعد از دستگیری رفیق، کارگران همزمن فعالیت های مبارزاتی خود را ادامه دادند و رفیق از دوزخ زندان دالفا با آنها در تماس بود. مخارج خانواده رفیق را نیز هنگامی که او در زندان بود، رفیق کارگرش تأمین می کردند پس از پایان زندان، در شرکت های حفاری نفت در جنوب به کار پرداخت و در سازماندهی اعتصابات تعیین کننده کارگران حفاری نفت در جریان قیام شرکت نمود. رفیق در هماهنگی نمودن اعتصابات کارگری ایجاز در ماههای پیش از قیام نقش مؤثری داشت.

رفیق در بهیچوجه مبارزات ماههای پیش از قیام به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و فعالیت تشکیلاتی خود را آغاز نمود. بعد از پیروزی قیام رفیق همراه با دیگر یاران او در میان استقبال باشکوه کارگران به پالایشگاه تهران بازگشت.

رفیق در بهیچوجه مبارزات ماههای پیش از قیام به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و فعالیت تشکیلاتی خود را آغاز نمود. بعد از پیروزی قیام رفیق همراه با دیگر یاران او در میان استقبال باشکوه کارگران به پالایشگاه تهران بازگشت.

در حاشیه اجتماع دوشنبه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در گردمائی روز دوشنبه، گروهی عناصر مرتجع و تحریک شده، از قبل از آغاز مراسم در خیابانهای اطراف زمین چمن راهپیمایی میکردند و شعارهای ضد فدائی و ضد کمونیستی میدادند. این گروه مثل همیشه بارها کوشیدند بداخل جمعیت رخنه و اجتناع را از هم پنهانند اما با سد محکم انتظامات و خونریزی شرکت کنندگان روبرو میشدند. آنها یکی دویار خواستند بلندگو را قطع کنند و چندبار نیز با شمار دادن و ایجاد بحثهای جنجالی انحرافی سعی در تحریک آزار مردم پرداختند.

سه خلقهای ایران. بیش از پنج ماه است که از قیام شکوهند خلقهای ما میکنند. در این مدت هیچ تغییر اساسی در زندگی مردم مبارز ما صورت نگرفته است. خلقهای تهران ما به هیچیک از خواستهای خود نرسیده اند: دولت موقت پس از خریدن بسوی قدرت بهیچا تکمیل دستاوردهای انقلاب محسی در دست نمودن آن کرده است. در این مدت دولت سعی کرده است جلوی رشد و اعتلای انقلابی جنبش مردم را بگیرد، و به همین منظور برای سرکوبی کارگران مبارز در دوزخ کارخانه ها نیروی ویژه را بکار گرفته که نقش اداره حفاظت سابق را ایفا کند. دولت دوباره ارتش را بعنوان عامل سرکوب خلق بکار گرفته است. و بالاخره میخواهد با تصویب قانون اساسی که میبایست در حقیقت حافظ دستاوردهای انقلاب باشد به سیاستهای خود جنبه رسمی بخشد.

با تبدیل مجلس موسان به خبرگان این اجازه را به خلقهای تهران ما نمیدهند تا از حقوق خود دفاع کنند. و بدینوسیله میخوانند هرچه باب طبع خودشان بود به تصویب رسانند ما میدانیم که انقلاب ما یک انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی بوده که در نیمه راه خود قرار دارد. بنابر این قانون اساسی باید محضی انقلاب را برساند ما دیدیم که چه کسانی پیشاپیش مردم به پادگانها حمله کرده و آنها را تسخیر کردند. آنها کارگران بودند که سالها زیر شدیدترین فشار اقتصادی قرار داشتند. همافران بودند، برسد انقلابی ارتش بودند که زیر سلسله مراتب نظام ارتش خرد شده بودند.

بنابراین قانون اساسی باید خواستها و حقوق این نیروها را پاسخ گوید. این قانون نه فقط در جهت این خواستها نیست بلکه طوری تنظیم گردیده است که رشد سرمایه داری وابسته را تأمین میکند قانون اساسی باید همواره شوره ها و نهادهای مکرراتیک را تقویت کند نه اینکه آنها را تقویت کند و از این برود. قانون اساسی باید این حق را که زمین متعلق به کسی است که روی آن کار میکند به رسمیت بشناسد.

مبارزات کارگران صنفی و پیشاپیش آنها کارگران صنایع نفت که در زیر رگبارهای دشمن اوج گرفت، بود که حکومت سابق را نابود کرد و یوزه امپریالیسم را به طاق مالید. مطمئن مترقی استنادان مبارز دانشگاه، کارمندان مبارز دولت بودند که در این قیام شرکت کردند و بندهای روابط بوروکراتیک را از هم گسختند. آیا آزادی سیاسی بنزای این نیروها تأمین میشود خلق کرده ترکن، ترس بلوغ، عرب همه و همه خودمختاری میخوانند و حتما باید تضمین شود بدون تضمین این خودمختاری خلقها وحشت و بکبارچگی ایران میرسد نخواهد بود.

مطمئن مدنی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: در این شرایط ما صرفاً به این علت در انتخابات شرکت می کنیم که حرکتان را با تودمها هماهنگ کنیم و به آنها بگوئیم که ما حمایت این قانون اساسی چیست و چرا به سونترماینداری وابسته است نه زحمتکشان. دولت نمی تواند خواستهای توده را جامعه عمل بپوشاند و این را میخوانیم به مردم نشان بدهیم.

ما میدانیم کمیتی با انتصاب شدن در این مجلس نخواهیم توانست قانون اساسی را تغییر دهیم اما ما شرکت می کنیم تا ماهیت واقعی آن را به مردم نشان دهیم. ما صف خود را از همه سازشکارانی که سعی در جلوگیری از حرکت انقلابی مردم دارند جدا می کنیم ما نشان میدهم که صف نیروهای اپورتونیست و رفورونیست که رفرم برضی شاه را بعنوان حرکت مردمی شناخته بودند از صف خلق و از صف نیروهای انقلابی جدا است. آنها با حرکت در مجلس خبرگان میخواهند به کسی برسد لیکن ما کسی نمی خوانیم ما میخوانیم آن را افشا کنیم.

پس از آن رفیق دانشگری کاندیدای دیگر سازمان به مردم معرفی شد. رفیق دانشگری در سخنان خود گفت: باوضی که نیروی حاکم برای جامعه ما پیش آورده است. غاید شرکت یک زن در مجلس خبرگان

پیش نویس قانون اساسی، برضد منافع کارگران

تصحب آور باشد زنان کنورمان بند از قیام بر خلاف انتقارتان در مقابل محدودیت های قرار گرفتند که نشان دهنده ماهیت حاکمیت فسل است. حاکمیت سیاسی کنونی غیرمسم حرفه های همچنان به فعالیت های غیر مکرراتیک محدود شده میباشد. دولت حاضر با خریدن سهام هم انداران خونخوار جهانی به شرح مردم ادعای ملی کردن صنایع را میکند. احیای ساواک با شیوه های سابق جهت حمله به نیروهای مترقی و در هم ریزدن نظامات بوسیله گروه های فشار، گولوباران کارگران اصعبانه، قرویس و خرسرصد، بازداشت عناصر فعال کارگری از جمله اقدامات غیر مردمی دولت است. آیا این است معنی دفاع از دستاوردهای مبارزات خلقهای پاریان. ما از دولت کنونی انتظار نداریم که حقوق دهقانان و زحمتکشان را در نظر بگیرد زیرا این دولت نمی خواهد و نمی تواند مدافع زحمتکشان باشد. مادام که طبقه کارگر در رلی مبارزات قرار نگیرد رفقای خلق از تم امپریالیسم و سرمایه داری غیر ممکن است... مجلس خبرگان دقیقاً آزادی و اختیار را از نمایندگان مردم سلب می کند و نیز پیش نویس که قرار است در آن تصویب برسد حقوق مردم را اتم از زن و مرد زیر پا گذاشته است. وی سپس در مورد حقوق زنان در قانون اساسی گفت: اصل ۳۳ میگوید کلیه اقرار اتم از زن و مرد در برابر قانون برابرند. کدام قانون؟ قانونی که فعالیت زنان را در بسیاری از حرکات اجتماعی محدود میکند قانونی که تصد زوجات را آزاد میکند قانونی که حق طلاق را به مرد میدهد قانونی که از زن محسوس وجود خانها نین میبازد و این مسئله را احترام به او قلعداد میکند این قانون از اسل برابر برای مرد کرده است. هرگونه تبعیض بر مبنای جنسیت باید از بین برود این نوع تقسیم بندی افراد جامعه بر اساس جنسیت تقسیم تفرقه افکنانه ای برای سرپوش گذاشتن روی تقسیمات طبقاتی است. افراد در یک جامعه طبقاتی چه زن و چه مرد به یک گروه بهره ده و بهره کش تقسیم میشوند و حفظ حقوق آنها تنها از طریق محو کامل سلطه امپریالیسم ممکن است. زنان کارگر، دهقان و سایر زنان زحمتکش با تلاشهای پیگیر خود علیه بهره کشی در برابر تاریخ بویژه در جنبش اخیر حقانیت و قابلیت خود را برای برخورداری از حقوق اجتماعی کامل ثابت نمودند.



پیشنویس قانون اساسی

بقیه از صفحه ۱

ابتدایی ترین حقوق کارگران و...

جدیدی از مبارزات توده‌ها را اعلام کردند آن را تا سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه به پیش بردند. همین کارگران و زحمتکشان شهری بودند که در کنار سایر طبقات و یکمکه همه اشکال مختلف مبارزه (از میتینگ و تظاهرات گرفته تا اعتصاب و بالاخره قیام مسلحانه) مبارزه را تا به آخر ادامه دادند و هرگز از رودرویی با دشمن هراس بدل راه ندادند و با مشت‌های گره کرده و چهره‌های سوخته و خشمگین شعله‌ور برگ بر شاه را علیه رژیم تلاش‌های سازشکاران فریاد زدند - این کارگران بودند که با اعتصابات خودمختار قدرت و ثروت رژیم را از او گرفتند و قدرت سرکوبگر او را عملاً از کارانداختند. این کارگران و در پیشانی آنها کارگران مبارز و دلیر نفت بودند که در حقیقت کسر رژیم شاه را شکستند.

یابید از خود برسیم که چرا آنها در این قیام و مبارزه مرگ و زندگی شرکت کردند؟ آیا جز این بود که انتظارات و توقعاتی کاملاً بحق داشتند که از نیازهای حیاتی آنان سرچشمه میگرفت و می‌بایست در قانون اساسی منعکس شود؟

آیا جز این بود که میخواستند بتوانند از طریق سازمانهایی که خود در جریان قیام بوجود آورده‌اند (یعنی شوراهای) در سرنوشته کشورشان دخالت کنند و در عزل و نصب اعضای دولت موثر باشند و عبارت دیگر در تصمیم‌گیری‌ها بطور مستقیم مشارکت داشته باشند و نظارت مستقیم داشته باشند.

آیا جز این بود که میخواستند از حق کار یعنی تضمین داشتن کاری با مستمندی در حداقل همیشه (یعنی خانواده‌اش را از همه نظر تامین کند) برخوردار باشند و دیگر دیو بیکاری هر لحظه زندگی آنها را تهدید نکند؟

آیا جز این بود که میخواستند در صورت بیکاری و تا هنگام اشتغال مجدد بکار، از دریافت حقوق ایام بیکاری برخوردار باشند تا دیگر گرسنگی خود و همسر و فرزندان را تهدید نکند؟

آیا جز این بود که میخواستند ساعات استراحت و زندگی در کنار همسر و فرزندان بیشتر باشد و دیگر نیمه شب از خواب برنجیزند و در حال دو بیمل کار نروند و یا در طول هفته روز بیشتری را برتیبیت و آموزش فرزندان بگذرانند، مدت بیشتری را ازبمال بهاستراحت و تجدید قوا بپردازند و از حداقل تفریحات سالانه و زندگی در محیط آرام برخوردار باشند تا طول متوسط عمرشان نصف نشود.

آیا جز این بود که میخواستند سرپناهی داشته باشند؟ خانه‌ی اگر چه

اما کدامیک از این خواسته‌ها در قانون اساسی پیشنهادی منظور شده است و «قانون دانان» و «خبرگان» تنظیم کننده این طرح پیشنهادی به کدامیک از این ابتدایی ترین خواسته‌ها بدل توجهی فرموده‌اند؟! لایه‌آقایان «کاردانان» و «خبرگان» پیشنهاد دهنده میگویند: اولاً: «اصول ۳ و ۷۴» باید گمت که این اصول بجای تأیید شورا در حقیقت آن را پارتشته‌ها و بندهای متعدد بنامین محدود کرده است و عملاً بیشتر بر محدودیت‌های آن تأکید کرده است تا بر روش کردن توانایی‌ها و وحد اختیارات آنها.

تألیف: «اصل ۹» «... امکان کار و کوشش برای همه باید چنان فراهم گردد که هیچ‌کس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد» بده درست است. گفته‌اید که باید چنان امکاناتی فراهم کرد «که هیچ‌کس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد» اما بمقدر اصل ۴۷ با پذیرش «مالکیت خصوصی» (تاکید میکنیم مالکیت خصوصی و نه مالکیت شخصی که در ماده ۴۵ آن را برسمیت شناخته‌اید) عملاً و بنحو احسن آن را نقض کرده‌اید. این دیگر امری بدیهی، بی‌اثر روشن و اثبات شده است که تا «مالکیت خصوصی» هست اشتغال و بهره‌کشی نیز هست؛ و تا صنایع و کشاورزی ملک خصوصی سرمایه‌داران و زمینداران باشد و بازرگانی در چنگال عدمی بازرگان محدود بماند «امکان سلب سمی و کار حاصل از آن» وجود دارد. «سمی و کار حاصل از آن» حق (آن) کس نمی‌شود. ببارت ساده‌تر شما بر آب خط نوشته‌اید.

مالکیت خصوصی: هرگاه وسایل تولید در دست یک یا گروهی از افراد باشد و این وسایل را بمنظور تولید کالا و برای کس سود در جریان تولید قرار دهند، این نحوه مالکیت را مالکیت خصوصی میگویند.

تشیکیل سندیکای کارگران بوکان و همراجه. و - دادن وام بیکاری به کارگران بیکاردر طول ایام بیکاری و اخذ اعتبارات لازم از دولت و مقامات و وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی. ز - ایجاد صندوق بیمه بیکاری و تعاون‌های مصرف و اعتبار جهت ایجاد رفاہ مادی اعضا. ز - مبارزه در راه وصول به خواست برحق خلق کرد برای خودمختاری در چهار چوب کشور ایران و سایر هدفهای ترقیخواهانه از جمله رفع بهره‌کشی از انسان و نابودی مظاهر طبقاتی و پشتیبانی از زحمتکشان ایران در مبارزاتشان علیه اشتغال و وابستگی به غارتگران جهان.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

تاسرمایه‌داری وابسته برقرار است....

داشتن مسکن مناسب حق طبیعی هر انسان است. اما در نظام سرمایه‌داری که تمامی روابط تولید بر محور مالکیت خصوصی وسایل تولید و انگیزه سودجویی است، تامین مسکن به‌عنوان یکی از مسائل حاد جامعه بروز می‌کند. تمرکز فزاینده تولیدی در نهادهای برجست که از خصوصیات تولید سرمایه‌داری است خود این مساله را تشدید می‌کند. زائغ نشینی و خانه بدوشی حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری بعدی عریان و عیان است که حتی مدافعان نظام نمی‌توانند آن را انکار کنند.

در کشورهای تحت سلطه کمبود و نداشتن مسکن مساله‌ای است که بخش عظیمی از مردم گریبانگیر آند و این، ناشی از خصوصیات وابستگی است. روابط سرمایه‌داری وابسته تولید را از آنچه در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته است، بسیار مترکزتر می‌کند. بخش عمده فعالیت‌های تولیدی وابسته در پایتخت قرار دارد. درآنجاست که مراکز سرمایه، پایگاه‌های اصلی بانکها، کانون‌های قدرت سیاسی قراردارد. روند تکاملی سرمایه‌داری وابسته، رابطه نزدیک فعالیت اقتصادی با دولت‌وابسته به‌امپریالیسم، چنین تمرکزی را ناگزیر می‌سازد.

در ایران بیش از نیمی از فعالیت‌های صنعتی که در کارگاههای «بزرگ» (با بیش از ۱۵ کارگر - طبق طبقه‌بندی مرکز آمارایران) انجام می‌شود در استان مرکزی است و بخش عظیم آن در اطراف تهران است. در اسود خنما نیز وضع به‌همین منوال است. مراکز بانک، بیمه، عمده‌فروشی، حمل و نقل و... در شهرهای بزرگ و بخصوص در تهران قرار دارد.

پوشش تمرکز فعالیت‌های تولیدی سرمایه‌داری وابسته، بخش عظیمی از جمعیت کشورهای تحت سلطه را از روستاها و شهرهای کوچک و بنهرهای بزرگ و پایتخت می‌کشاند. نزدیک پنجاه درصد از جمعیت شهرنشین ایران در ۸ شهر بزرگ سکنی دارند و بیش از نیمی از آن‌ها در تهران هستند بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ که کل جمعیت ایران سالیانه ۲۷ درصد افزایش داشته است، رشد جمعیت در شهرها ۴۸ درصد و در روستاها ۱۲ درصد بوده است. این ارقام برای استان مرکزی به‌ترتیب ۴۹ درصد و دره درصد بوده‌است. بنابراین، می‌بینیم که همراه با تمرکز فعالیت‌های سرمایه‌داری در چند شهر بزرگ، و بخصوص تهران، جمعیت کثور بسوی این قطب‌های وابستگی کشیده شده است. و این نتیجه گریز ناپذیر رشد سرمایه‌داری و بویژه سرمایه‌داری وابسته است.

بنابراین ساله کمبود مسکن، به‌صورت مساله‌ای حاد، در شهرها رخ می‌نماید. شهرهای بزرگ را کمربندی از مهاجران زائغ‌نشین و گهرنشین فرا می‌گیرد. حلی‌آبادها، دولت‌آبادها، زور آبادها، و... هرکدام هزاران نفر در مجموع بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت شهری را درخود جای می‌دهند. اینها را نمسکن، و زندگی ساکنان آنها را نمزندگی می‌توان دانست. و این وضعی است که در شهرهای چون مشهد، کراچی، بوئنوس آیرس، کویتو و سانتیاگو در کشورهای تحت سلطه به‌وضوح دیده می‌شود.

ساکنان این بیفولها ارتش نخیره کار - گران سنتی را تشکیل می‌دهند. آنگاه که بازار سرمایه‌داری در روتق است این مهاجران شغلی و مزدی دارند و آنگاه که رکود رخ می‌نماید اینان چون واماندگان و پس‌ماندگان نظام بی رحم سرمایه‌داری، کنار زده می‌شوند. آنوقت است که هرکدام باید به‌گونه‌ای از دل سنگ اوزق خسود را بیرون آورند. آنها در سرچهارراهی باید سیگار و دیگر خرت و پرت‌ها را عرضه کنند.

این بخش از جامعه ما در سخت‌ترین و مصیبت‌بارترین شرایط زندگی می‌کند. دراین نظام هیچ ندارد و هیچ امید نیز ندارد. نه ازبهداشت، نه از آموزش و نه از رفاه‌مزدنگی انسانی او را بهره‌ای می‌رسد. و خانه او نیز دولت برای حمایت از منافع زمین‌داران و بازروینروشنای شهری با بولدوزر به‌جان این مردم شندیده می‌افتد.

گذشته از این قشر، که محرومترین قشر شهرنشین جامعه سرمایه‌داری وابسته است، مساله مسکن دیگر مردم را، جز سرمایه‌داران و

کارگران آنان، گرفتار ساخته است. سرمایه‌داری وابسته، پس از آن که در محل تولید بخش مهمی از حاصل کار کارگران و زحمت‌کشان را تصاحب می‌کند، در مرحله بعد و به‌صورت هزینه مسکن، جزء مهمی از آنچه نصیب کارگران و زحمتکشان شده است از آنان پس می‌گیرد. بسیاری از کارگران و زحمت‌کسانی که ۷۵ تا ۸۵ درصد درآمد خود را به‌صورت اجاره به‌صاحبخانه‌ها می‌دهند، یا این وامی بپست آورنده، بخش عمده درآمدشان را به‌بانک می‌دهند. نظام سرمایه‌داری چون‌چرخ کره‌گیری است که ماحصل کار مردم زحمتکش را در مراحل بعدی برای آنان باز می‌ستاند. نتیجه آن می‌شود که کارگران و زحمتکشان و نیز کارمندان پایین مرتبه اداری که رویم رفته اکثریت جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند، ناگزیر به‌ساعات کار خود می‌افزایند تا بتوانند از عهده هزینه زندگی که بخش مهم آن‌ها هزینه مسکن است برآیند. به‌عبارتی دیگر، خصوصیات نظام چنان است که بالاچار به‌نرخ اشتراک کل نظام می‌افزاید. مردم جامعه ما ناگزیر می‌شوند که ساعات کار خود را به ۶۵ تا ۸۵ ساعت در هفته افزایش دهند تا بتوانند روزگار بگذرانند. اگر هرکس باید باحدود ۴۵ ساعت کار در هفته امرار معاش کند، به‌علت گرانی مسکن تقریباً تمامی مزد این ساعات کنار به‌صورت هزینه مسکن پرداخت می‌شود. کارگر و کارمند شهری باید یک‌نوبت اضافی کار کند تا بقیه مایحتاج مادی خود را فراهم آورد.

گرانی هزینه مسکن بوسیله سیاست‌هایی که دولت‌های وابسته برای ایجاد منافع بیشتر سرمایه‌داران دنبال می‌کنند، تشدید می‌شود. به‌عنوان مثال گوناگون شهرها را محدود بندی می‌کنند تا قیمت خانه‌ها و گراپخانه‌ها در داخل محدوده افزایش یابد و بدین ترتیب سودبار آوردی نصیب سرمایه‌داری وابسته شود. افزایش قیمت زمین و مصالح ساختمانی در شهرها، خانه سازی را در انحصار سرمایه‌داران بزرگ در می‌آورد، و آنگاه دولت امتیازاتی برای این سرمایه‌داران فراهم می‌سازد. آپارتمان‌سازی را رونق می‌دهد و حتی برای آپارتمان‌های بیش‌از ده طبقه مالکیت مالیاتی قائل می‌شود. به‌صورت سرمایه‌داری وابسته این امر می‌دهد و به‌صنایع کمبود مصالح، که آن خسود نتیجه سیاست‌های آگاهانه دولت وابسته برای تامین منافع بیشتر سرمایه‌داران بزرگ است، اجازه شرک سازی را در خارج محدود به‌زمین‌داران و بازروینروشنای بزرگ وابسته می‌دهد؛ حتی به‌عزیزه دولت برای این شرک‌ها عمران و آبادی می‌شود.

همه اینها کوشش‌هایی است که برای استثمار زحمتکشان ما انجام شده است. در سال ۱۳۵۶، پرداخت اجاره مسکن در درآمد ملی برابر با ۵۵ درصد ارزش تولید کشاورزی ایران بوده است. یعنی صاحبان مسکن درآمدی برابر با نصف درآمد کل بخش کشاورزی که ۵۵ درصد از جمعیت ایران با درآمد آن زندگی می‌کنند داشته است. این هزینه‌ای است که زحمتکشان شهری ایران برای تامین مسکن، در ابتدایی ترین و نامناسبترین شکل آن، پرداخته‌اند. ۶۴ درصد از خانوارهای شهری در مسکن با ۴ بیش از ۳۳ درصد از خانوارهای شهری جمعیتی بیش از چهار نفر دارد. گذشته از این، این واحدهای مسکونی فاقد ابتدایی ترین امکانات زندگی است و از لحاظ کیفیت نمی‌توان آنها را مسکن مناسب به‌شمار آورد. بدینجهت است که یکی از میرجهین نیازهای جامعه ما تامین مسکن مناسب برای زحمتکشان است.

اما دولت بازرگان چه سیاستی را برای تامین مسکن زحمتکشان در پیش گرفته است؟ درماه‌های نخست پس‌ازقیام که هنوز شمار مستضعفان بسیار جاری بود و همه رهبران سیاسی خود را حامی مستضعفان می‌دانستند شاره‌هایی نیز برای تامین مسکن برای مستضعفان داده می‌شد. آمدند و حسابی باز کردند تا هر که می‌خواهد به‌مستضعفان صدقه دهد، تا از این راه خاندهای برای آنان ساخته شود. بسیاری از کسانی که به‌این حساب کمک کردند خسود

شکر تازه دولت بازرگان اعلام پرداخت وام مسکن از جانب «بانک ملی ایران» است. «بانک ملی ایران» اعلام کرده است که به‌کسانی که مسکن شخصی ندارند تا سیصد هزار تومان (بلاعهده) به‌نرخ بهره ۶ تا ۸ درصد (بلاعهده) یک‌درصد (آزمونی) پرداخت خواهد کرد، بشرط آن‌که ۱۵ درصد از مبلغ وام را اکنون در بانک ودیعه بگذارند و ۳۵ درصد از هزینه خرید مسکن را خود متعهد شوند. با توجه به‌نصوه قیمت گذاری خانه‌ها و آپارتمانها توسط بانکها می‌توان گفت که اگر کسی بخواهد یک‌سده هزار تومان از بانک وام بگیرد باید درحدود ۵۵ هزار تومان هم خود داشته باشد تا خانه‌ای در حدود ۱۵۰ هزار تومان بخرد. کاری به‌این نداریم که چگونه می‌توان در شهرهای ایران، به‌ویژه در تهران، مسکن مناسبی با چنین قیمتی تهیه کرد. مردم زحمتکش از یکجا باید ۵۵ هزار تومان پیش قسط را فراهم آورند و چگونه می‌توانند در طی ۱۲ سال نزدیک به ۱۵۰ هزار تومان اصل و فرع وامشان را پرداخت کنند؟ اما ببینیم انگیزه اصلی این سیاست چیست؟ البته تبلیغ و شمار بی‌محتوا برای تسکین درد های مردم شندیده ما یکی از انگیزه‌های اصلی این سیاست است. اما گذشته از این دولت بازرگان، آنتهان که در گذشته کرده است، بازم می‌خواهد با روشهای کهنه و مردود اقتصاد ایران را درحان جهت که پیش از قیام بود به‌حرکت درآورد...

پیشنهادات و نظریات اقتادی خود را به‌آدرس زیر ارسال نماید. تهران - بلوار کشاورز، خیابان نمکده (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن بستان از ساعت ۴ الی ۸ عصر) آدرس پانکی - تهران، بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۸ بنام عباس فتیلت کلام. فیش پانکی کمکهای مالی خود را که از کلیه هموطنان مبارزخواهشمندیم پن‌هاک واریز شده است. مستجاب‌های ستاد ارسال دارند.

پیشنهادات و نظریات اقتادی خود را به‌آدرس زیر ارسال نماید. تهران - بلوار کشاورز، خیابان نمکده (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن بستان از ساعت ۴ الی ۸ عصر) آدرس پانکی - تهران، بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۸ بنام عباس فتیلت کلام. فیش پانکی کمکهای مالی خود را که از کلیه هموطنان مبارزخواهشمندیم پن‌هاک واریز شده است. مستجاب‌های ستاد ارسال دارند.

هفتانان، زحمتکشان و همه خلق‌های ایران است

چرا شرکتهای سهامی زراعی در گرسار به وجود آمد؟

این بررسی از طرف گروهی در گرسار تهیه شده که ما با انتشار بخشی از آن و تغییر برخی از نکات در آخر به اشتادانی که بر آن وارد است میپردازیم.

کشورهای غارتگر امپریالیستی مثل آمریکا ای غارت هر چه بیشتر ثروت کشورهای زیر سلطه خود، راههای مختلفی را انتخاب میکنند و به وسیلههای گوناگونی دست میزنند. ایجاد شرکتهای سهامی زراعی یکی از این روشها میباشد و یکی از صدها برنامههای است که برای غارت کشور ما و نظیر آن در بعضی کشورهای مشابه، دست به اندازد آنزینند.

در زیر قسمتی از هدفهایی را که امپریالیسم آمریکا و سرمایهداران و زمینداران وابسته به آن از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی در سر داشتند یادآوری میکنیم:

۱- بهداز اصلاحات ارضی هر کشاورزمین خود را بهتنهایی کنت میگرد و بهعلت نداشتن سرمایه کافی نمیتوانست ماشینآلات کشاورزی خریداری کند و کشور های امپریالیستی، بهویژه آمریکا، که بازار بزرگی فروش محصولات خود میخواستند، با همکاری رژیم منقر پهلوی، شرکتهای سهامی زراعی را تاسیس کردند تا بازاری شود برای فروش محصولات و ماشینآلات آن که با چندین برابر قیمت تمام شده آن بهفروش رسانند.

۲- محصولات خام کشاورزی ما را بهقیمت ارزان میخرند و آن را بصورت محصولات ساخته شده و مصرفی در میآورند و با چند برابر قیمت تمام شده و چندین برابر قیمت محصول خام آن به مردم میفروشند و باز سود بیشتری بهسپستان سرازیر می شود.

۳- کمترین کاشتن محصولاتی مانند گندم که غذای اصلی مردم است و در عوم کادس محصولاتی مثل خنخاش که از آن موادمعدنی درست میکنند و مردم میهن ما را معصدا میکنند یا با آن دارو درست میکنند و سه قیمتی سرسام آور به خود ما میروند و این باعث میشود که از دو طرف جیب خود را پر کنند یکی اینکه گندم نداریم و مجبوریم با قیمت گران از کشورهای خارجی بخریم و دیگری استفادهای که از خنخاش و تاسیس ۴- از طرفی برای ساختن آنها و تاسیس و همچنین خرید ماشینآلات مورد نیاز های غارتگر از طریق بانکها با پرداخت وام با سود زیاد که گاهی سود وام از مقدار وام هم بیشتر میشود و از این طریق هم روستائیان را به خاک سیاه می نشانند و هم مملکت را ورشکه می کنند.

۵- سرمایهداری سرمایهداران کشور های امپریالیستی در شرکتهای سهامی زراعی از طریق دلان خود که همان زمینداران و سرمایهداران بزرگ وابسته باشند، سالانه مقدار زیادی از سود شرکت را پایت بهره سرمایهشان بهجیب میزنند.

چیزهایی که در بالا گفتیم در مورد گرسار هم صادق است و حال ببینیم وضع کشاورزی در گرسار چگونه است.

گرسار یکی از نواحی نسبتا حاصلخیز ایران است و به همین علت بود که شرکتهای سهامی زراعی را در این شهرستان مثل بقیه نقاط حاصلخیز ایران تاسیس کردند و با توجه به اینکه شرکتهای سهامی زراعی در مناطقی تاسیس شد که دارای آب زیاد و زمینهای

لزوم اتحاد برای مبارزه با زمیندار

اجیرا اعلامیهای در جهت شناسیدن نحوه اجرای «اصلاحات ارضی» در «شوریلخ» از روستاهای گرگزار کرمانشاه با امضاء طرفداران سازمان در کرمانشاه منتشر شده است. ما ضمن تأیید این چنین کوششهایی که شناخت منحص مناطق مختلف ایران را مقدور میکند، قسمتی از این اعلامیه را نقل می کنیم.

«... مهدی خان یآوری یکی از زمینداران شوریلخ... در زمانی که شاهر ضای رئیس باشگاه بوده است با نجات روستائیان را به روز حربه و حق و حساب رئیس باشگاه را حصوراً می برداخته است.

اکنون مهدی خان یآوری دارای ۲۳ جفت زمین تاپ است که همه را بطور مکانیزه کشت می کند و کلیه وسایل کشت مکانیزه با وجود نزدیکی و ولخرجی های بی حساب در سطوح بالا تا پائین اداره کنندگان شرکت های سهامی زراعی، زمانی که کشاورزان برای گرفتن سود سهام جزئی خود، چندین بار به شرکت مراجعه می کردند، همیشه با سرگردانی و توهین های گوناگون روی سر می شدند. بقیه در صفحه ۷



کتابخانه و محل درمان رایگان روستا به آتش کشیده شد

فومن- حدود دوماه پیش با همکاری گروهی از جوانان روستای «شولم» از توابع فومن کتابخانه ای در این روستا دایر شد که مورد استقبال روستائیان فرهنگدوست قرار گرفت. همچنین مسئولان کتابخانه با استفاده از کمک یک پزشک، محل کتابخانه را برای درمان رایگان روستائیان نیز مورد استفاده قرار میدادند.

شخصی از اهالی این روستا به نام «احمد مصبی» که لباس روحانیت دربر کرده ولی ماهیت برهنه معلوم است از همان آغاز شروع به تبلیغ سوء طایفه کتابخانه کرد و

بالاخره با کمک چند فرد فرس و مطلوب الحال دیگر تکبیرگویان در کتابخانه را شکست، کاپها، نثرات و مکه های شهدا را بهرون ریخته و آتش زدند.

جانب اینجاست که طایفه شکارچی مسئولان کتابخانه و عمدهای از اهالی پاسداران مسئولان کتابخانه را بهتیمت جاقوکی پنهنربانسی بردند و آقای مصبی هم که پشتیبانی پیدا کرده بود در برابر مأمور زاندارمری سینه سپر می کند و می گویند:

«من کتابخانه فا آتش زدم و اگر دوباره دایر شود باز هم آتش خواهم زد.»

فعالیت های کانون فرهنگ و هنر

خلق ترکمن

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در هفته گذشته فعالیت های فرهنگی اخیر خود را در منطقه ترکمن سمرها به شرح زیر اعلام کرد.

در حال حاضر کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، ۱۳ شعبه در مراکز بخش ترکمن سمرها دایر نموده است. در مجموع ۳۳ کتابخانه روستائی توسط جوانان پیشگام ترکمن سمرها در روستاهای این منطقه ایجاد شده است. شعبه های کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در مراکز بخش به فعالیت های چشمگیری در زمینه نمایش فیلم های مناسب برای روستائیان پرداخته و نمایشگاه های عکس از مبارزات اخیر مردم، شهدای خلق ترکمن، شهدای درگیری های کردستان و نمایشگاه های کتاب ترتیب داده است.

همچنین در هفته گذشته در شهرهای گنبد، آق قلا، بندر ترکمن تعدادی از روستاهای منطقه، فیلم های سینمایی اصاب، ویتنام (جنگ خاتمه یافت، مبارزه ادامه دارد) کردستان و ترکستان به نمایش گذارده شده است.

خلاره بر این کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن مبادرت به انتشار نشریه های به زبان ترکمنی به نام «ایل گوجی» (قدرت خلق) کرده است که حاوی مسائل سیاسی و فرهنگی است.

اولین شماره نشریه، هفته پیش منتشر شد و با انتشار آن، گام ارزنده ای در جهت احلا و نشانه فرهنگ خلق ترکمن برداشته شد.

تظاهرات روستائیان در مرند

مرند - روز چهارشنبه ۳۵ تیر، گروهی از دهقانان روستای میرآباد مرند در مقابل استانداری بنوان اعتراض به ارباب روستا که مانع درو کردن محصول است به تظاهرات زدند. روستائیان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «مرگ ارباب» ناآیندگان این گروه که برای مذاکره با استاندار رفته بودند پس از چند ساعت بدون هیچ نتیجه ای، بازگشتند.

دهقانان بخشی از بندر ترکمن: «تا نابودی غاصبین و زورگویان»

دهقانان آواره میانوال و پخیرناورگامیشلی در بندر ترکمن در اعلامیه های اعلام داشتند: با درود بر پاهای پشما برادران زحمتکش و مبارز که با اتحاد و همبستگی خود بر دلهای مرتجعین وحشت افکننده و عرصه را بر غاصبین و زمینداران بزرگ وزورگویان محلی تنگ کرده اند، ارتجاع و در راس آن غاصبین مصدرزاشاهی برای اینکه نجات پیدا خود را عملی سازند انواع حیلها را بکار میبرند. روزی مارک غرابکار و سیسچین را بر پشانی انقلابی ترین فرزندان خلق میزنند و روز دیگر حرکت انقلابی دهقانان را عملی ضد انقلابی جلوه میدهند. ولی دهقانان و زحمتکشان مبارز در صحنه پیشکار آبدیده گشته اند و حیلها و دشمن دیگر کاری نیست. در جائیکه دستگاه حاکمه عملا به حمایت از سرمایهداران و زمینداران بزرگ پرداخته است، درجایی که مبارزات پیکر شمار اعملی ضد انقلابی جلوه میدهند و از بنام کردن نیروهای انقلابی، هیچ ابائی ندارند تنگن و وحدت هر چه بیشتر شا دهقانان و پیوندتان

روستائیان «آیچی» سقر تشکیل شورا دادند

روستائیان آیچی سقر تشکیل شورا دادند سقر - زحمتکشان روستای «آیچی» درم کیلومتری سقر در یک گروه های به تاریخ ۱۴ تیرماه ناآیندگان شورای خود را که شامل ۳ نفر خوشنشین، ۲ نفر کشاورز جوان و عضو اصلی و یک کشاورز بیوان عضو. طریبلیل بودند انتخاب کردند.

در قلمنامه ای که در پایان گروه های صادر شد روستائیان ضمن تأیید قلمنامه ۸ ماده ای شهر مهاباد (طرح خودمختاری کردستان)، شیخ هزالدین حسینی را رهبر و سخنگوی خلق کرد دانست، دولت را از مذاکره با کسانی که خود را ناطق نماینده خلق

کرد معرفی می کنند منع نمودند. روستائیان همچنین خواستار سرکوب فئودالها بوسیله دولت شدند. آنان در بخش دیگر قلمنامه تأکید کرده اند که مسئولین امور منطقه باید از اهالی منطقه و انتخابی باشند. پرداخت وام، تقویت امنیت و نیز خواسته های رفاهی از دیگر مواردی است که مردم روستا در قلمنامه خود عنوان کرده اند.

اهالی روستای آیچی در قلمنامه تأکید کرده اند: «برای تحقق قلمنامه فوق کاملا از شورای خود پشتیبانی می کنیم و شورا نیز موظف است اقدامات لازم را در این مورد انجام دهد.»

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند



دولت انقلابی نیکاراگوئه برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد

جبهه آزادیبخش ملی ساندینیستا که با مبارزات خونین و مسلحانه خلق نیکاراگوئه دولت دیکتاتوری سوموزا را سرنگون کند، برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد. این برنامه شامل اقداماتی فوری و عاجلی است که بلافاصله در جهت تحقق خواستهای خلق نیکاراگوئه بعمل خواهد آمد. خلاصه‌ای از مواد برنامه عاجل اعلام شده دولت انقلابی ساندینیستا در زیر می‌آید.

۱- ما از تمام اموال خاندان سوموزا طلب مالکیت می‌کنیم:
فورا تمام زمینها و املاک خاندان سوموزا ضبط خواهند شد. تمام چراگاهها، تمام پلاتوهای قهوه، نیشکر، تنباکو، ذرت، نالهزارها، تمام کارخانهها، تمام کارخانجات قند سیاه، گچسوزی، تمامی موصات ماسی و پولی، شرکتهای ساختمانی، بانکها و سایر شرکتهای ضبط خواهند شد. خلق به کمک این موصات به سود خویش به امر تولید خواهد پرداخت. کارگران و کارمندان موصات نامبرده در کنترل و اداری امور این موصات شرکت خواهند کرد.

۲- مائقلاب ارضی خواهیم کرد.
تمام املاک و زمینهای خاندان سوموزا و افسران عالیرتبه ارتش که در غارت و چپاول زمینها و در بیرون راندن و اخراج دهقانان از زمینهایشان دستیار خاندان سوموزا بوده‌اند بین دهقانی که بر زمین‌ها و تمام کسانی که مالکند روی زمین کار کنند تقسیم خواهند شد. دیگر هیچ کس نتواند موصات از طریق بهره مالکانه یا اجاره‌های زمین و یا از راه قیمت زمین جیب خود را پر کند.

۳- خلق شرایط کار را در روستا دگرگون خواهد کرد.
ما به «وقت کشی» (بیکاری‌های فصلی- مترجم) خانه خواهیم داد و تلاش خواهیم کرد در سه سال کار وجود داشته باشد. کارگرانی که نیشکر می‌برند، کارگرانی که قهوه، تنباکو و پنبه‌کشت و برداشت می‌کنند و تمام کارگرانی که در کشاورزی بکار خواهند پرداخت مزد مناسب و عادلانه‌ای دریافت خواهند کرد.

۴- گرانروشی و کم‌فروشی مبارزه خواهیم کرد.
کارگران نیشکر دیگر از مواد شیمیایی مسموم نخواهند شد. برای کارگران کشاورزی مکن مناسب ساخته خواهد شد.

۲- شرایط و اوضاع کار در معادن تغییر خواهد کرد.
کلیدی معادن به خلق واگذار خواهند شد کارگران معادن در اداری آنها شریک خواهند شد. زمان کار آنها کوتاه خواهد شد. دستزد عادلانه دریافت خواهند کرد و از تمام بیمه‌های اجتماعی برخوردار خواهند گردید. مکن در خور انسان و آموزشگاه برای آنان و کودکان آنها، درمانگاه و موصات تفریحی برای عیوران مرضی‌سالانیشان ایجاد خواهد شد. زندگی تمام کارگرانی که در معادن فدای استثمار ظالمانه شده و اینک بی‌توانند و یا به‌گدائی افتاده‌اند فورا تامین خواهد شد.

۳- شرایط کار در شهرها دگرگون خواهد شد.
حکومت ساندینیستی از همان ابتدای کار علیه بیکاری مبارزه خواهد کرد تا به کلیه اهالی نیکاراگوئه کار شایسته‌ای واگذار نماید. حداقل دستزد کارگران از نو تعیین و تثبیت خواهد شد و کارگران متشکل شده خود اجرای دقیق قوانین کار و اجرای ساعات تعیین شده را در کارخانجات، در کارگاهها، در درمانگاهها، در موصات حمل و نقل کنترل خواهند کرد. کار هرچه باشد، پایستی در شرایط انسانی انجام گیرد. کلیه قوانین و مقرراتی که با حقوق کارگران منافست و منافات داشته باشد ملغی خواهد گردید.

۴- آموزشگران از شرایط کار جهیستی برخوردار خواهند شد.
مستخفین و کارمندان شرایط کارشان دگرگون خواهد شد.

۵- مشکل شدن آزادانه در اتحادیه‌های کارگران برای کلیه کارگران شهر و روستا، کلیه پیشوران، کارمندان و مستخفین و استادکاران بدون هیچ محدودیتی حق دارند آزادانه اتحادیه‌ی منفی خود را تشکیل دهند و این حق آنان تضمین خواهد شد. حکومت ساندینیستی تشکیل اتحادیه‌ها را تشویق خواهد کرد تا از این طریق کارگران و زحمتکشان بتوانند از دستاوردها و از حقوق خود دفاع کنند.

۶- قیمت نیازمندیهای زندگی دیگر بیوسته ترقی خواهد کرد.
حکومت ساندینیستی قیمت تمامی کالاها و فراوردهای مهم برای زندگی را مانند مواد غذایی، پوشاک و دارو و غیره... کنترل خواهد کرد.

۷- قیمت نیازمندیهای زندگی دیگر بیوسته ترقی خواهد کرد.
حکومت ساندینیستی قیمت تمامی کالاها و فراوردهای مهم برای زندگی را مانند مواد غذایی، پوشاک و دارو و غیره... کنترل خواهد کرد.

۸- آموزش و پرورش همه رایگان و اجباری خواهد شد.
جبهه ساندینیستا از همان ابتدای پیروای مبارزه خواهد کرد تا همه اهالی نیکاراگوئه بتوانند بخوانند و بنویسند.

۹- آموزش و پرورش همه رایگان و اجباری خواهد شد.
جبهه ساندینیستا از همان ابتدای پیروای مبارزه خواهد کرد تا همه اهالی نیکاراگوئه بتوانند بخوانند و بنویسند.

چرا شرکتهای سهامی زراعی ...

و نص هائی است که از میزان تولید و درآمد کم خواهد شد. هر اینجا ما قسمتهائی از این اشکالات را توضیح می‌دهیم:
۱- مسئله آب - روستاهائی که «حق‌آبه» کافی ندارند رساندن آب به زمینهایشان بسیار مشکل و حتی در تابستان غیر ممکن است. همینطور اگر زمینها جدا جدا باشد، برای اینکه از سیرک زمین آب را روی زمین دیگر ببرند، مقدار زیادی آب بهدر می‌رود و همینطور زمینهای که «حق‌آبه» ندارند دیگر زیر کشت نمی‌رود.
۲- قطعه‌قطعه بودن زمینها عملا استفاده از وسایل مکانیزه را غیر ممکن می‌سازد و ممرور به‌صرفه نیست و حیث و میل آن زیادتر می‌شود و همینطور گرانتر تمام می‌شود. مثلا شخم با تراکتور چه زمین ۲ هکتار و یا ۲۵ هکتار باشد، تفاوت هزینه‌های آن در مقایسه با ۲۵ هکتار با ۲ هکتار بسیار رانندگاست اما اگر ۲۵ هکتار به‌قطعات ۲ هکتاری تقسیم شود و لازم باشد تراکتور بطور مجزا برای هر یک شخم بزند کاری بیشتر و هزینه‌ای زیادتر را ضروری خواهد ساخت (چرا که تراکتور مجبور است در قطعات کوچک مرتب چند مرتبه دور زده و آخر سرزم گوشه‌های زمین شخم نخورده باقی می‌ماند که باید مجدداً با بیل آن را شخم زد و هرکس تراکتور باید یک تراکتور داشته باشد که چنین امری مقصور نیست. در مورد استفاده از آب هم مشکلاتی به‌بار خواهد آمد که آن هم مزید بر علت می‌باشد).

۳- جمع‌آوری و رساندن محصولات به بازار با زحمت بیشتری همراه خواهد بود و در خواروبی باعث خرابی محصول هم خواهد شد. مثلا اگر دو هکتار خربزه‌کاری داشته باشیم باید سیر کنیم تا توأمین یک مانتین پیدا کنیم و جنس خود را به‌بازار ببریم چون دیگران هم که دارای قطعات دیگری در همین حدود هستند احتیاج به ماشین برای حمل و نقل محصول خود دارند. با توجه به کمبود وسائل حمل و نقل در روستاها طبیعتاً باید عده‌ای منتظر بمانند تا نوبت حمل محصول آنان فراهم شود. ولی در صورتی که مثلا ده‌هزار زمینهای ۲ هکتاری خود را با هم کشت کنند (زمینهای که در کنار هم قرار داشته باشند) یکباره ۲۵ هکتار محصول پایک وسیله حمل شده و از خرابی و یا حیث و میل محصول خواهد کاست.

۴- سپاشی زراعت در زمینهای قطعه‌قطعه با خرج زیاد و مشکلات فراوانی روبرو است. ۵- یک کشاورز به‌تنهایی نمی‌تواند از پس مخارج کشت برآید چون سرمایه اولیه ندارد و مجبور می‌شود محصول خود را از آن پیش فروش کند و یا وام با بهره زیاد بگیرد و علاوه بر اینها زحمتی که تک تک کشاورزان برای کشت محصول بر روی زمینهای قطعه می‌کنند بسیار زیاد است و چون نیروی بیشتری را صرف می‌کنند به‌همان نسبت بازده

مطلوب بست نمی‌آورند.
رغم در قست آخر بررسی خود مسئله اداره کردن شرکتهای سهامی زراعی را که قبلاً از طرز اداره آن به‌وسیله عوامل سرمایه داران و زمینداران وابسته صحبت کردند اما در موقع دادن رهنمود باید به‌تفصیل دهقانان و جلوگیری از پراکندگی دهقانان توجه می‌کردند. چرا که رهنمود باید همیشه حل مسئله را بطور روشن و صریح بیان کند. چنانچه به‌اداره زمینهای صادره شده به‌وسیله دهقانان بی‌زمین و محروم در بعضی مناطق توجه کنیم خواهیم دید طرز اداره زمینها عمدتاً از طریق شوراهای دهقانی پیش‌مردود که آنهم از راههائی مشخص و با استفاده از تجربیات فراوان، به‌تایید مطلوبی رسیده است. لازمست هرچه بیشتر نتایج بست آمده در اداره روستاها را از طریق شوراهای روستائی تعیین کنیم و در آن منطقه مشخص هم برای اداره زمینهاییکه برای شرکتهای سهامی‌زراعی در نظر است به‌تفصیل شوراهای روستائی پرداخت. چرا که تنها با انتخابی آزاد و با انتخاب نمایندگان قابل اعتماد و آگاه کشاورزان محروم و مستبدیده به‌خواستهای خود خواهند رسید و دیگر تحریک و توطئه‌زمنین- نخواهند بود و کشاورزان نیز با تمییز اولویتهای زندگی روستائیشان از طریق شورای روستائی منتخب خودگامهای مؤثری را به جلو خواهند گذاشت مسئله تشکیل تآویها در رابطه با تشکیل شوراهای دهقانی و ایجاد آن از طریق شورا بسیار اساسی است. شنا لازمست در رابطه با خواستهای دهقانان، وظایف دولت و مسئولین را در رابطه این خواستها که منطبق با شرایط موجود در هر منطقه ای است روشن و مشخص بیان کرد. تا کشاورزان از طریق شوراهای روستائی خود در پی تحقق حقوق پایمال دشمنان به مسئولیتهای دولت در مقابل خود به‌مخوبی واقف شوند.

آگاه شدن روستائیان در قبال این تعهدات از طرف دولت و همچنین چگونگی حل مسائل روستا عمدتاً مسی‌بایست به‌وسیله نمایندگان دهقانان در شورا و یا افراد آگاه دیگری که در راه تامین منافع دهقانان مسیامانه تلاش کرده‌اند صورت پذیرد. تشکیل اجتماعاتی در روستا با اعلام قبلی در مواقعی که کشاورزان فرصت بیشتری دارند می‌تواند موفقیت‌مناسی برای بحث و گفتگو درباره مسائل مسورد علاقه آنان باشد، با پی‌گیری مستمر و مداوم عناصر آگاه می‌توان در امر باوروی نقش شوراهای دهقانی در زمینه هدیفهای شورا که همانا وحدت هرچه بیشتر بین زحمتکشان روستا و کوشش در جهت بست آوردن نیازها و خواستهای برحق کشاورزان زحمتکشان است گامهای مؤثرتری را پیش برد.

اعتصاب کارگران باراندازهای فرانسه

کارکنان باراندازهای فرانسه روز دوشنبه باندر فرانسه بسیار اثر کرده است. ۱۸ تیرماه ۵۸ اقدام به اعتصاب دوروزه‌ای یک نماینده اتحادیه کارگران باراندازها کردند. دلیل اعتصاب آنها تقاضای افزایش دستمزدهای کارگران باراندازها و دستزد دوران بیکاری است. مذاکراتی بین اتحادیه‌های کارگری و نمایران از گلپور گذشته آغاز شده است. همچنین تقاضای باراندازها افزایش دستزد بازنشستگی را دربرمی‌گیرد. این اعتصاب یکی باندر فرانسه لطمه خواهد زد.

ما خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

رهنمود به‌هواداران

بهرتر این وظیفه رهنمودهای زیر دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد.
کلیه نیروهای هوادار سازمان باید از کلیه وسائل ممکن از قبیل پخش تراکت، اعلامیه، روزنامه، پوستر و گفتگو با مردم در کوچه و خیابان و محله‌ها، ترتیب‌دادن جلسات بحث و گفتگو در محلات فقیرنشین، ترتیب‌دادن سخنرانی‌های موضعی در مناطق مختلف، پوستر محلات فقیرنشین، شرکت در جلساتی که توسط سایر نیروها تشکیل می‌شود و دفاع از منافع کارگران، دهقانان و زحمتکشان در این جلسات و غیره به‌اهداف دراز مدت طبقه کارگر و هدف از شرکت در این انتخابات را برای توده‌های مردم توضیح دهند.
برای پیشبرد و بازدهی بیشتر و بهتر هر چند نفر می‌توانند یک تیم تبلیغ و ترویج تشکیل داده به میان کارگران و دیگر زحمتکشان بروند و به‌بصورت گفتگو و توضیح و تشریح اهدافمان بپردازند. یقیناً شرکت سازمانیافته هواداران سازمان در این انتخابات گام مؤثری خواهد بود در جهت آگاه ساختن توده‌ها و بریدن آگاهی‌سوسپالیستی و دگرگونی میان آنان و تحکیم پیوندها، با توده‌های زحمتکش در راس آن طبقه کارگر. ماهیت پیش‌نویس قانون اساسی و مجلسی خیرگان را برای توده‌ها افشا کنیم.

ما خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

اهداف نیروهای انقلابی از شرکت در انتخابات مجلسی خبرگان افشای ماهیت نیروهای حاکم، افشای ماهیت و مضمون پیش‌نویس قانون اساسی و مجلسی «خبرگان» است. هدف ما از شرکت در انتخابات بالا بردن آگاهی توده‌های زحمتکش و گسترش پیوند سیاسی تشکیلاتی مان با توده‌های زحمتکش و در راس آنها طبقه کارگر است. در شرایط کنونی باید بیشترین تلاش را جهت توضیح اهداف طبقه کارگر و بالا بردن آگاهی توده‌های زحمتکش بکار بست. در این راه نیز نباید تنها به امکانات محدودی که احتیاجاً دولت در اختیار نیروهای شرکت کننده قرار می‌دهد (رادویو - تلویزیون) اکتفا کرد. تکیه اساسی ما باید نیروهای خودمان و امکانات خودمان باشد و هر فرد هوادار طبقه کارگر پستابه یک مبلغ و مروج باید به‌بصورت توده‌های زحمتکش رفته و آرزوهای طبقه کارگر و اهدافمان را از شرکت در این انتخابات برای آنان توضیح دهد. از این طریق توده‌ها را به‌منافع واقعی آنان آگاه ساخته و پیوند نیروهای هوادار طبقه کارگر را با توده‌های زحمتکش هرچه بیشتر گسترش داده و مستحکم نماید. در انجام این وظیفه خطیر مسئولیت سنگینی بر دوش هر فرد انقلابی قرار دارد. منظور اجرای هرچه

چه کسانی در مریوان توطئه می کنند

● اهالی مریوان بخاطر اعتراض به کمیته ها و پاسداران، زاد و بوم خود را ترک می کنند

تن از پاسداران زخمی شده عضو «قیاده موقت» هستند. پس از این واقعه حدود صد نفر پاسدار از کرمانشاه به پادگان مریوان منتقل می شوند و صد نفر پاسدار نیز از تهران به مریوان می روند روز یکشنبه ۲۴ تیر در حالیکه شهر آرام بود جلسه ای با شرکت معاونت استانداری کردستان، سمن از اعضای شورای سندسج و تمام گروه های مترقی مریوان تشکیل گردید و قرار شد که پاسداران اعزامی به مریوان به مرکز عزیت کنند و انتظامات شهر بهیچکمی کمیته انتظامات شهر باشد. اما رادیو تلویزیون خیر توافقنامه را بگونه ای تحریف می کند که گویا قرار شده است انتظامات شهر بهیچکمی پاسداران گذاشته شود.

روز ۲۸ تیر بین شورای موقت شهر مریوان که از ۷ عضو تشکیل شده، با فرمانده پاسداران مستقر در پادگان ملاقاتی صورت می گیرد که طی آن فرمانده پادگان خواستار کنترل شهر بوسیله پاسداران یا ارتش و همچنین عضویت یک پاسدار در شورای شهر می شود. شورای موقت شهر در مورد کنترل شهر با فرمانده پادگان به توافق نمی رسد.

مردم مریوان در برابر این توطئه تصمیم به کوچ کردن از شهر گرفته و آن را علی ساخته. استاندار جدید کردستان کوچ اهالی مریوان را نه تنها از ناچاری آنان بلکه عمدتاً نتیجه تحریکات به حساب می آورد و بجای چهارمجلسی اصولی، تهدید به استفاده از قدرت می کند. آقای استاندار بجای ایجاد زمینه برای تشکیل شورای شهر (که در مذاکرات ۲۴ تیر مورد موافقت معاون اینان قرار گرفته بود) برای سرکوب اهالی زمینسازی می کند (اطلاعات - اول مرداد ۵۸ - شماره ۱۵۹۱۱).

به کارگرفتن شیوه ارباب و سرکوب توده های مردم و خلقها گفته از اینکه اساساً مساله ای را حل نخواهد کرد وحسنت و یکپارچگی خلقها را نیز از بین خواهد برد. ماهیت مجریان چنین شیوههایی را برای توده های آگاه و مبارز افشا خواهد کرد سرکوبی خلق کرد و حمایت آشکار از توطئه ها و مرتجعین، خدمت بی چون و چراهامبرالیم است، که شامانه نظاره گر کامیابی های خویش با کک عاشق نظیر قیاده موقت - پالیزان، اویسی و ... در منطقه است.

در کردستان فبیاع به سرعت و یکی پس از دیگری پیش می آیند. فبیایی که با توطئه چینی های فئودالها، عمال رژیم سابق و مرتجعین با همکاری قیاده موقت علیه دهقانان، با تمام مردم زحمتکش و نیروهای مترقی یوقسوع می پیوندند. در این بین رادیو تلویزیون با تعریف حقایق، آتش این توطئه را تیزتر می کند و تجاوز آشکاری را که بر خلق کرد روا می شود وارونه جلوه داده، بجای کک به حل اصولی مساله، عملاً میکوشد زمینه را برای سرکوب توده های محروم و بیجان آمده منطقه فراهم سازد و افکار عمومی را برای تأیید ناآگاهانه چنین عملی آماده کند.

فاجعه مریوان چگونه به وقوع پیوست؟ چرا مردم مریوان کوچ میکنند؟

عناصر ضد خلقی (عمال رژیم سابق، فئودالها، قیاده موقت، ...) روز ۲۱ تیرماه، تحت عنوان «سپاه پاسداران انقلاب» متشکل شدند و گروهی بنام «گروه ترور» (با کارتهای عضویتی با همین عنوان که نمونه آن در این شماره چاپ شده است) تشکیل دادند. مردم مریوان بعد از اطلاع از این توطئه که عناصر مرتجع و منفور از جمله قیاده موقت از طراحان آن بودند به اعتراض پرداخته و مسرانه خواستار تطیل پاسدارخانه کمیته شدند. روز ۲۳ تیرماه همه مردم مریوان: اتحادیه کارگران، اتحادیه دهقانان (یکپارچه چریکواران)، اتحادیه زنان، جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد و بازاریان تظاهراتی بنظور اعتراض به روش منفرسانه رادیو تلویزیون بخاطر تحریف اخبار و وقایع برپا کردند. آنان پس از قرائت قطنامه ۷ ماده ای خود در محل رادیو تلویزیون، در بازگشت، جلوی مقر پاسداران متوقف می شوند و اعلام می کنند که چون این کمیته ماهیت ضد مردمی دارد باید برچیده شود از افراد کمیته می خواهند که به آنها ملحق شده، دست از توطئه و تفرقه بردارند. مأمورین کمیته اعلام موافقت کردند ولی وقتی چند نفر از ریش سفیدان، بازاریان و عده ای از تظاهر کنندگان برای ملحق شدن به آنها بطرف ساختمان حرکت می کنند بسوی آنها شلیک می کنند. دو تن از اعضای اتحادیه دهقانان در جا کشته می شوند. این حادثه خشم مردم را برمی انگیزد و درگیری آغاز می شود و طی مدت درگیری ۷ نفر از پاسداران و سه نفر از مردم کشته و عده ای زخمی می شوند. ۳

یاد فدایی شهید رفیق عباس جمشیدی رودباری گرامی باد



رفیق عباس جمشیدی رودباری یکی از قهرمانان مقاومت در زیر شکنجه های ساواک است. او که از نخستین اعضای تشکیل دهنده سازمان چریکهای فدایی خلق بود و نقشی موثری در بازسازی سازمان پس از ضربات سال ۵۵ داشت، به مدت دو سال از اواخر تیرماه سال ۱۳۵۱ که در یک درگیری دستگیر شد (ولی رژیم به دروغ خبر شهادت او را منتشر کرد) تا مردادماه سال ۱۳۵۳ بطور مداوم در زندان کمیته زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داشت. سرانجام در خیمان که از مقاومت رفیق بستوه آمده بودند در بامداد دوم مرداد ۱۳۵۳ او را به جوخه اعدام سپردند. اکنون بمناسبت پنجمین سالگرد شهادت رفیق، با چاپ متن وصیتنامه او که پس از قیام اخیر به دست ما افتاده است یاد او را گرامی میداریم.

شده، به تمهیدش عمل کند. راهی را که انتخاب کرده ام بحساب فقدان احساسات خانوادگی ام نگذارید؛ شما فرزندی را بیامرزید که احساسات خانوادگی اش را پای احساسات برتر است بزرگتری فدا کرده است.

همیشه و عمیقاً آرزوی دیدارتان را داشته ام هر چند هم که آرزوی محالی بوده باشد.

بمنوان آخرین سخن اینکه هرگز برای ناراحت ناشید، زیرا من با شما هم باز راهم را انتخاب کردم.

با بهترین آرزوها

آدرس مازندران شیرگاه روبهروی بهداری منزل محسن جمشیدی

نماینده داستانی ارتش - سرگرد

علی اکبر نادریان

نماینده مذهبی متقی

فرمانده گردان زندان ستوان حسن

زاده

نماینده شهربانی سوانیکم آهنگر

نماینده ساواک

وصیتنامه غیر نظامی عباس جمشیدی رودباری فرزند محسن در سحرگاه ۵۳ مرداد

پدر و مادر عزیزم

قرار است اینرا بمنوان وصیت شما بنویسم. ولی شاید خودتان هم خوب میدانید وصیت من آنطور که بر طبق معمول نوشته میشود، در یک جمله تمام شدنی است: به هیچکس بدهی و از هیچکس طلبی ندارم. اما اگر وصیت را آنطور که معمول آدمهای سیاسی است بنویسم، چیزهایی برای نوشتن وجود خواهد داشت.

از شما بمنوان پدر و مادر راضی و ممنونم، آرزوی اینستکه شما هم از من بمنوان فرزند راضی باشید. اینرا میدانم که بخاطر من خیلی ناراحتی کشیدید، اما این نمیتواند و نباید علت ناراحتی شما از من قرار گیرد. میدانید آخر همه چیز که بخانواده ختم نمیشود، خیلی چیزهای دیگر و آدمهای دیگر هستند که آدم نسبت به آنها تمهید دارد، و اگر بخواهد آدم بماند باید بهر قیمت که

مبارزات کارگران نفت گچساران

● کارگران پیمانی نفت گچساران روزی ۲۷ تومان حقوق می گیرند.

کارگران روز چهارشنبه ۵۸۴۳۶ برای اولین بار دست از کار کشیدند با مسئولین شرکت نفت و رئیس کمیته صنعت نفت (که شش ماهی است و منتخب کارکنان صنعت نفت نیز نمی باشد) بمذاکره نشسته. خواستهای کارگران مورد قبول مسئولین قرار گرفت و آنها قول دادند که تا ۳ روز بعد به کلیه خواستهای آنها عمل شود ولی پس از گذشت یک هفته از مهلت تعیین شده هیچگونه اقدامی انجام ندادند و بهمین دلیل کارگران دوباره دست از کار کشیدند. دومین اعتصاب کارگران که دو روز طول انجامید با قول فرماندار گچساران و با حسن نیت کارگران خاتمه یافت.

گچساران - کارگران پیمانی شرکت نفت گچساران که روز شنبه ۵۸۴۳۹ برای دومین بار دست به اعتصاب زده بودند باین شعار که «تا تحقق کامل خواسته های ما به مبارزه ادامه می دهیم» بر سر کارهایشان بازگشتند.

کارگران پیمانی شرکت نفت گچساران (پیمانکاری زکی بهشتی - حاج رضائیس - فاضل شریعی - هدایت الله فرخی و ...) که خواستار حقوق پایمال شده شان هستند از مدتی پیش با مسئولین شرکت نفت، اداره کار، کمیته شهر و کمیته صنعت نفت گچساران مذاکره می کردند اما هر بار تنها جواب آنها این بود که: «صبر انقلاب داشته باشید» از آنجا که مذاکرات به نتیجه ای نرسید

اختناق با چهره های جدید

کمیته جمهوری اسلامی شهر صنعتی البرز (قزوین) بخش و نسب هرگونه اعلامیه ای را در صورتی مجاز دانسته که مهر کمیته انقلاب شهر صنعتی البرز بر آن زده شده باشد این کمیته که اعلامیه خود را خطاب به مسئولین واحدهای تولیدی، نوشته است از آنها درخواست کرده در صورت مشاهده متعلقین آنها را به کمیته معرفی کنند «تا اقدامات لازم» انجام شود.

متن اعلامیه کمیته جمهوری اسلامی شهر صنعتی البرز یادآور اعمال اختناق آمیز و تهدید نامه های دستگاههای آریامیری است کمبود را «قیمت» و همه کاره مردم میدانند و بجای آنها بیانیه می دادند و تصمیم می گرفتند. آنچه در پشت پرده عبارات این اعلامیه به چشم می خورد مخالفت علنی با خواستها و اعتراضات برخی کارگران علیه استثمارگران و سرمایه داران است و «اعلامیه» با مطالب قراردادن «مسئولین واحدهای تولیدی» این منا را به خوبی رسانده است.

تحصن دانش آموزان، پیشگام در استانداری

بندرعباس - بدنبال بست شدن در تفرقه ها پیشگام واقع در خانه فرهنگیان که از طرف اداره آموزش و پرورش و به ترمیم عناصر معلوم الحال و متکوک صورت گرفت که به خاطر تنگ نظری و مواضع طبقاتی شان نمیتوانند وجود نیروهای مترقی را در اجتماع تحمل کنند، دانش آموزان، دانشجویان و معلمین پیشگام بندرعباس پس از اینکه مذاکراتشان با مدیر کل آموزش و پرورش (در تاریخ ۷ تیرماه ۵۸) و با استاندار (۸ تیرماه ۵۸) به نتیجه ای نرسید، با مطرح کردن خواسته های زیر در استانداری استان ساحلی از تاریخ ۱۱ تیرماه ۵۸ تحصن اختیار کرده اند. خواسته ها:

بسم الله الرحمن الرحيم
آقره بسم
نام مجاهد مریوانی شفا می
شوره بر روز
رده مسلح
شماره ۴۴
آذنت سر مریوانی
بسم الله الرحمن الرحيم
آقره بسم
نام مجاهد مریوانی شفا می
شوره بر روز
رده مسلح
شماره ۴۴
آذنت سر مریوانی
بسم الله الرحمن الرحيم
آقره بسم
نام مجاهد مریوانی شفا می
شوره بر روز
رده مسلح
شماره ۴۴
آذنت سر مریوانی

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش